



د افغانستان

بانک

د افغانستان بانک خپرونه، څلورم کال، پنځه څلویښتمه گڼه د ۱۳۸۹ کال د کب میاشت



نوی کال مو مبارک شه

خوت ۱۳۸۹



بیائید با غرس یک نهال در سرسبزی و حفظ محیط زیست کشور خود سهیم شویم

د دې ګڼې مطالب

ورکشاپ معرفي اهداف و سياست های کلی د افغانستان بانک

بزرگداشت از هشتم مارچ روز همبستگی بین المللی زنان جهان

د افغانستان بانک قانون

طرح میکانیزم قرضه های کوچک برای کارمندان دولت

ارتباطات و اهمیت آن

د اسلامي اقتصاد له نظره اوسنی مالي کړکيچ

بازار چیست؟

ارتباط عمیق میان منابع آبی و سکتور های اقتصادی کشور

د هیواد په اقتصاد کې د انرژۍ او طبیعي زیرمو ارزښت

جهانی شدن اقتصاد

پول الکترونیکی

BANK بانک

صاحب امتیاز: د افغانستان بانک

تحت نظر هیئت تحریر: عتیق الله نوشیر- محمد قسیم رحیمی - محمد اسحق علوی - رایت علمیار

مدیر مسوول: محمد کبیر کاووسی

گزارشگران: عبداللطیف بایانی و عبدالحفیظ شاهین

دیزاین: عبدالقیوم رووف ارغند

فوتو راپورتر: زیرک ملیا

همکار تخنیکي: یما عقیف

ترجمه: شفیق الله بارز و عین الله عیان

آدرس د افغانستان بانک

آمریت عمومی اسناد و ارتباط

تلفون: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۳۸۱۵ / ۲۱۰۴۷۶۱

فکس: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۰۳۰۵

پست الکترونیکی: magazine@centralbank.gov.af

صفحه الکترونیکی: www.centralbank.gov.af

تلاش سکتور خصوصی در تفاهم با دولت

در کاهش بهای نفت تأثیر گذار است

درین اواخر قیمت نفت در افغانستان افزایش چشمگیر یافته است. واضح است که افزایش در قیمت این ماده مهم باعث رو نما شدن مشکلات در سراسر کشور، خصوصاً در شهر کابل گردیده است، اگر موضوع بصورت دقیق ارزیابی گردد، افزایش قیمت نفت حایز اهمیت فراوان است، زیرا برای پیشبرد روند زندگی فوق العاده نیاز بآن احساس میگردد. افغانستان کشور وارداتی و مصرفی است ازینرو هر تغییر و تحول در سطح جهان بالای قیمت اجناس در افغانستان اثر گذار است، یکی ازین اثرات مبرم در افزایش قیمت نفت همانا بروز ناآرامی ها در کشور های شرق میانه و گسترش آن در سایر کشور های تولید کننده نفت می باشد که این موضوع تأثیرات ناگواری بالای اقتصاد کشور های مصرف کننده وارد می کند.

باور براین است که در صورت گسترش تنش ها، قیمت نفت باز هم افزایش خواهد یافت، یکی از راه هایی که می تواند تا حدی جلو افزایش قیمت نفت را در کشور بگیرد، ایجاد ذخایر نفتی در کشور است که دولت میتواند در این راستا نقش تعیین کننده را داشته باشد، قرار اظهار مقامات مسئول، افغانستان سالانه به هزاران تن مواد نفتی ضرورت دارد که اکثراً از کشور های ایران، پاکستان، ترکمنستان و روسیه وارد می گردد یکی دیگر از علل گرانی نفت، توقف تانکر های مواد نفتی در خاک کشور ایران بود که قیمت هرلیتر نفت را چند افغانی افزایش داد، برای رفع این معضله حیاتی دو راه کوتاه مدت و دراز مدت وجود دارد، راه حل آنی و کوتاه مدت آنست که در پهلوی فعالیت سکتور خصوصی درین عرصه دولت نیز با برنامه های دقیق و با پیشبینی همه جوانب و مشکلات به واردات و ذخیره نفت به مقدار کافی پردازد. و آنرا از طریق سکتور خصوصی به فروش برساند و راه اساسی یا دراز مدت همانا کار بالای استخراج و بکار اندازی ذخایر نفتی کشور است که در پهلوی خود کفایی داخلی می تواند سبب تقویت کامل بنیه اقتصادی افغانستان شده و افغانستان را به یک کشور آباد، مرفه و دارای اقتصاد قوی مبدل سازد. ●

ورکشاپ معرفی اهداف و سیاست های کلی د افغانستان بانک



طباعتی کشر بوده، گرچه در گذشته ها نیز ارتباط خوبی میان بانک مرکزی افغانستان و رسانه های کشر موجود بود، امید وارم این ارتباطات هر چه قویتر و مستحکم تر شود.

۲- میخوایم به عزیزان محترمیکه به نمایندگی از رسانه های کشر درین ورکشاپ تشریف آورده اند در مورد فعالیت های بانک مرکزی معلومات ارایه نمایم. بانک مرکزی افغانستان ۷۱ سال قبل ایجاد و تا سال ۲۰۰۲ به جز از نشر و طبع بانک نوت ها کدام وظیفه مشخص نداشته و مانند سایر بانکهای تجارتی اجرای وظیفه مینمود. د افغانستان بانک تا سال ۱۹۹۵ تحت قیمومیت وزارت مالیه قرار داشت، رئیس بانک مرکزی افغانستان از طرف ◀◀

بانک دایر گردید.

در معرفی ورکشاپ اهداف و سیاست های کلی د افغانستان بانک نخست محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان بانک صحبت نموده گفت: تشریف آوری تک تک شما عزیزان را که به نمایندگی از مطبوعات کشر درین ورکشاپ شرکت نموده اید خیر مقدم میگویم، باید یاد آور شوم که راه اندازی و تدویر ورکشاپ معرفی اهداف و سیاست های کلی د افغانستان بانک سه نکته را در بر میگیرد.

۱-هدف از دایر نمودن این ورکشاپ ایجاد پیوند عمیق و نا گسستگی میان بانک مرکزی افغانستان و رسانه های صوتی، تصویری و

روز دوشنبه ۲ حوت سالروان ورکشاپ یک روزه به منظور معرفی وظایف و اهداف اصلی د افغانستان بانک و سکتور مالی کشر به اشتراک محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان بانک، محترم گل محمد عتیقی مشاور بانک مرکزی، محترم سید اسحق علوی مشاور ریاست د افغانستان بانک، محترمه فرزانه رشید ناظر کل د افغانستان بانک، محترم محمد قسیم رحیمی مدیر نظارت مالی بانک مرکزی، محترم شریف الله شیرزاد معاون مشاوریت حقوقی د افغانستان بانک، آمرین دیپارتمنت های بانک مرکزی و جمع کثیری از نمایندگان رسانه های همگانی کشر در تالار کنفرانس های د افغانستان

اهداف و وظایف اساسی د افغانستان بانک طی ارایه پریزنټیښنی گفټ: بر اساس ماده ۳۴ قانون د افغانستان بانک، د افغانستان بانک دارای حق انحصاری نشر بانکوت و سکه به منظور دوران در کشور می باشد و همچنان بر اساس ماده ۳۳ قانون د افغانستان بانک، پول رایج و واحد پولی افغانستان افغانی می باشد. بر اساس ماده ۲ قانون د افغانستان بانک هدف عمده د افغانستان بانک عبارت از تأمین حفظ و ثبات سطح قیمت های داخلی است. همچنان یکی از وظایف اصلی دولت در کنار سایر وظایف حد اقل (قانون گذاری، تطبیق قانون، تأمین نظم عامه و امنیت) گسترش رفاه مردم و ایجاد بستر های لازم برای توسعه و انکشاف اقتصادی است. ماده ششم قانون اساسی: دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی، انکشاف متوازن و ... مکلف می باشد. دولت ها برای رسیدن به انکشاف اقتصادی از طریق سیاست ها و پالیسی ها اقتصادی تلاش می کنند. دو سیاست عمده اقتصادی سیاست مالی و سیاست پولی است. بانک مرکزی هر کشور یکی از نهاد ها و ارکان دولت برای طراحی، تدوین و تطبیق سیاست پولی می باشد، سایر اهداف د افغانستان بانک که تابع هدف اولیه

سیالیت یا نقدینگی نظام مالی کشور را موثر و ثابت نگهدارد. اگر یکی از بانکها در جریان فعالیت اش به مشکل نقدینگی دچار شود بانک مرکزی افغانستان مطابق ماده ۸۶ قانون د افغانستان بانک به بانک مذکور قرضه می دهد تا مشکل بانک مذکور عاجلاً رفع گردد. یکی از اهداف عمده دیگر د افغانستان بانک نظارت دوامدار از فعالیت سایر بانکهاست، اگر یکی از بانکها غیر محتاطانه عمل کند از طرف بانک مرکزی به بانک مذکور متولی مقرر می گردد تا مشکل بانک مذکور را رفع و در آینده در بانکهای مذکور فساد و بی نظمی صورت نگیرد. بناً وظیفه مقدس شما رسانه هاست که مانند سایر دستگاه های رسانه یی جهان رشد اقتصادی، بیکاری، نرخ مبادله اسعار، نرخ تورم و فعالیت های بانک مرکزی را به شکل ربعوار نشر نمائید، رسانه ها در آگاهی اذهان عامه در مورد دست آورد های نظام مالی و انکشاف اقتصادی کشور رول اساسی دارند زیرا شما روزانه با ملیون ها انسان در داخل و خارج کشور در ارتباط هستید و آنچه را شما نشر مینمائید آنها می شنوند و می پذیرند. متعاقباً محترم سید اسحق علوی مشاور رئیس کل د افغانستان بانک در مورد صلاحیت ها،

وزارت مالیه به پادشاه و یا رئیس دولت پیشنهاد میگردید و بعد از منظوری پادشاه و یا رئیس دولت، رئیس بانک مرکزی مقرر میگردید. اما در سال ۲۰۰۲ تغییرات کلی در د افغانستان بانک رونما گردید. بانک مرکزی بر اساس ماده ۱۲ قانون اساسی استقلالیت خود را کسب نمود، قانون د افغانستان بانک در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید که بر اساس آن بانک مرکزی افغانستان در سیاست های پولی خود از هیچ ارگان دستور و هدایت اخذ نمی نماید و خود مختار می باشد، بر اساس ماده ۱۲۶ قانون د افغانستان بانک، بانک مرکزی فعالیت های تجارتي را متوقف ساخت، و تمامی حسابات اشخاص به بانکهای تجارتي منتقل و حساب های شان در بانک مرکزی مسدود شد. ۳- بانک مرکزی افغانستان همیشه کوشش می نماید تا ثبات قیم را حفظ کند، تا باشد مردم فقیر و بی بضاعت کشور متضرر نگردند، درین مورد بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی خود صدمه می بیند اما ثبات قیم را نگره میدارد، زیرا هدف د افغانستان بانک تنها بدست آوردن منفعت نیست. همچنان د افغانستان بانک همیشه در تلاش است تا



هر چهار سخنران در ختم پریزنتیشن های شان، به سوالات ژورنالستان حاضر در مجلس پاسخ های مناسب ارایه نمودند. در اخیر محفل جناب محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان



بانک و آمرین دیپارتمنت ها تصدیقنامه های اشتراک کنندگان ورکشاپ معرفی وظایف و اهداف اساسی د افغانستان بانک را به شرکت کنندگان تفویض کردند.

آن می باشد، عبارت اند از حمایت سیالیت (نقدینگی)، قابلیت پرداخت دیون، فعالیت موثر سیستم مالی ثابت متکی بر اقتصاد بازار و تقویه سیستم پرداخت مصئون، سالم و موثر ملی بوده و د افغانستان بانک با درنظر داشت هدف اولیه اش سیاست های کلی دولت را حمایه و رشد اقتصادی را تقویه می نماید همچنان محترم عبدالمتین غفوری تحلیلگر ارشد خارجی آمریت عمومی سیاست پولی د افغانستان بانک گفت: حسب فقره ۱ ماده ۳ قانون د افغانستان بانک هدف اولیه بانک مرکزی را تأمین و حفظ ثبات قیمتهای داخلی، تأمین ثبات در نرخ مبادله افغانی، ارتقا و رشد اقتصادی کشور تشکیل میدهد. بعداً محمد قسیم رحیمی آمر عمومی نظارت امور مالی د افغانستان بانک در مورد اهداف اساسی نظارت بانک مرکزی روشنی انداخته و دست یابی به ثبات مالی را از طریق نظارت و کنترل دوامدار میسر دانست وی افزود که مدیریت امور نظارت مالی در سال ۱۳۸۱ تأسیس و کنترل از ۱۷ بانک تجارتی در ۳۴ ولایت کشور که ۷۳۱ تسهیلات بانکی را دارا می باشد، بر عهده دارد. مجموع امانات بانکی در ۳۰ اگست ۲۰۱۰ به ۱۶۰,۸۷ میلیارد افغانی (۳,۵۸ میلیارد دالر) در حالیکه این رقم از قرار ۳۰ اگست ۲۰۰۹ بالغ بر ۱۱۰,۶۶ میلیارد افغانی (۲,۲۴ میلیارد دالر) میگردد که افزایشی به اندازه ۴۵,۳۷۱ صد را نسبت به دوره قبلی نشان می دهد.

چهارمین ارایه کننده محترم شریف الله شیر زاد معاون دفتر مشاوریت حقوقی د افغانستان بانک بود که در مورد قوانین نافذه د افغانستان بانک گفت: قانون د افغانستان بانک دارای ۱۴ فصل، ۱۳۹ ماده که بر اساس فرمان شماره ۶۲ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۶ توشیح گردید قانون بانکداری دارای ۱۱ فصل و ۱۰۱ ماده که بر اساس فرمان شماره ۶۳ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۷ توشیح، قانون مبارزه علیه تطهیر پول، دارای ۱۲ فصل، ۷۵ ماده که بر اساس فرمان شماره ۸۱ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۶، قانون مبارزه علیه تمويل تروریزم دارای ۵ فصل و ۳۰ ماده که بر اساس فرمان شماره ۸۲ مورخ ۱۳۸۷/۲۶/۷، قانون رهن اموال منقول داخل ۷ فصل، ۵۰ ماده بر اساس فرمان ۱۰/۳/۱۳۸۸، قانون اسناد قابل معامله، که بر اساس فرمان شماره ۱۴۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۲ توشیح گردیده و شامل ۱۶ فصل و ۱۳۳ ماده می باشد. قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات تجارتی: این قانون شامل ۶ فصل و ۴۳ ماده می باشد و طی فرمان شماره ۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۸ به منظور تنظیم امور مربوط به رهن اموال غیر منقول وضع گردیده است که تمام قوانین فوق به منظور ایجاد و انکشاف چهار چوب حقوقی ایجاد شده است.



د افغانستان بانک قانون

د مالي شخړو د حل کمېسيون

يو سلو شپږمه ماده:

د دې قانون په درج شوو حکمونو کې د مالي شخړو د حل په منظور، يو کمېسيون به د افغانستان بانک کې جوړ چې د شخړو وړ مالي قضیې د قضائي څېړنو د صلحې سره د مخه په حل او فصل کوي.

د کمېسيون واکونه

يو سلو اوومه ماده:

(۱) کمېسيون کولای شي د افغانستان بانک په لاندې پرېکړو او حکمونو باندې نوې کتنه وکړي.

۱- هغه تصميم چې د غوښتنليک ورکونکي د بانکي جواز د غوښتنليک، د بانکي اجازه ليک يا ثبت د ردولو په هکله نيسي.

۲- هغه تصميم چې پر بانکي جواز يا بانکي اجازه ليک ثبت باندې د قيدونو يا محدوديتونو په هکله وضع کېږي.

۳- هغه تصميم چې د بانکي جواز يا بانکي اجازه ليک د لغوه کولو په هکله نيول کېږي.

۴- هغه تصميم چې د زيان د جبران يا مالي مجازاتو په هکله صادرېږي.

۵- صادر شوي حکمونه د هغه شخص پر عليه چې په د افغانستان بانک کې د جواز يا بانکي اجازه ليک يا ثبت له لرلو پرته، په داسې فعاليت لاس پورې کړي چې د قانون مطابق د جواز يا اجازه ليک په اخيستلو يا ثبتولو مکلف وي.

۶- هغه تصميم چې د متولي د تقرر يا د هغه د کار د تمديد په هکله نيول کېږي.

۷- نور هغه موارد چې د قانون مطابق

کمېسيون ته سپارل کېږي.

(۲) کمېسيون کولای شي هغه غوښتنليکونه چې د بانک د پرانېستلو يا ورشکستگۍ پر عليه وړاندې کېږي، وڅېړي او له هغه څخه نظارت وکړي.

(۳) کمېسيون کولای شي د مالي ادارو ترمنځ شخړې وڅېړي او هغه لړۍ کړي، پدې شرط چې د مخکنۍ موافقې له مخې د شخړو رفع کول په صريح ډول هغه ته سپارل شوې وي.

د کمېسيون جوړښت

يو سلو اته ماده:

(۱) د مالي شخړو د حل کمېسيون جوړ دی له:

۱- درې تنه حقوق پوهان د د افغانستان بانک د رئيس په وړاندیز او د جمهور رئيس په منظوری.

۲- د مالي چارو درې تنه مسلکي، مجرب او سابقه لرونکي حسابداران د ماليې د وزير په وړاندیز او د دولت د ريس په منظوری.

۳- اداري مامورين او کارکوونکي د اړتيا په اندازه.

۴- د کمېسيون مسلکي غړي د لاندې شرايطو لرونکي وي:

۱- د افغانستان د تابعيت لرونک وي.

۲- د نیک شهرت لرونکي وي او په امانت کې د خيانت په جرم نه وي محکوم شوي.

۳- د سياسي او مدني حقوقو په حرمان وي محکوم شوي.

۴- د دندې په بهير کې په نورو رسمي دندو نه وی گمارل شوي.

۵- د هيڅ يو بانک د عالي شورا او عامل هيئت غړيتوب ونه لري يا د د افغانستان

بانک د ناظر يا کارکوونکي په توگه دنده تر سره نه کړي.

۶- د تقرر په وخت کې يې سن له (۳۵) کلونو څخه کم نه وي.

۳- د کمېسيون مسلکي غړي د تقرر وروسته له خپلو عهدو څخه گوښه کيدلی نه شي مگر دا چې د دې مادې په (۲) فقره کې درج شوی کوم شرط يې له لاسه ورکړی وي يا د خيانت د جرم د ارتکاب له امله د واکمنې محکمې له خوا د ماموريت څخه په انفصال يا حرمان يا طرد محکوم شي.

(۴) مسلکي غړي د (۷۰) کلنۍ سن په بشپړولو سره متقاعد کېږي او مخکې له هغې کولای شي په ليکلي غوښتنليک سره د شخصي معاذيرو له امله له دندې څخه استعفي وکړي.

د شتمني ثبتول او د شخړې په حل او فصل کې گډون نه کول

يوسلو نهمه ماده:

(۱) مسلکي غړی مکلف دی د تقرر په وخت کې خپله شتمني د شتمنيو د ثبت په فورمه کې درج کړي.

(۲) د شتمنيو د ثبت فورمه د هر کال په پای کې د هغه هيئت لخوا چې د د افغانستان بانک، د مالي د وزير او د وزيرانو د شوری استازی د څېړنې د هيئت رئيس دی.

(۳) که چېرې مسلکي غړی په هغې قضې کې چې د حل او فصل لپاره کمېسيون ته راجع شوې ده، گډې گټې ولري، د قضیې د څېړنې په هيئت کې له گډون څخه ليکی معذرت غواړي او په دې هکله له څېړنې څخه ډډه کوي، پدې حالت کې قضیه د نورو غړو له خوا حل او فصل کېږي، پرته له هغې د کمېسيون فيصله باطله گڼل کېږي. ●



بزرگداشت از هشتم مارچ روز همبستگی بین المللی زنان جهان

تسلط داشتند، قبل از اسلام دختران زنده بگور می شدند چنانچه خداوند د قرآن عظیم الشان می فرماید ترجمه: و وقتیکه دختری را که زنده در گور کرده بودند پرسیده شود به کدام گناه کشته شد؟

در اسلام فرق بین زن و مرد نبوده و هر دو قشر در قرآن بنام مردم خطاب شده است چنانچه درجا های متعدد در قرآن عظیم الشان میخوانیم که خداوند متعال می فرماید: (یا ایها الناس) که مراد از آن مردم می باشد نه مرد یا زن.

همچنان خداوند در قرآن عظیم الشان در سوره حجرات می فرماید: ای مردمان هر آئینه آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و ساختیم شما را جماعت ها و قبیله ها تا با یکدیگرشناسان شوید هر آئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیز گارترین شماست. <<

اما تا جائیکه احصائیه ها نشان میدهد در عده یی از کشور ها تعداد زنان بیشتر از نصف نفوس آنها را دربر می گیرد، طور مثال در امریکا نفوس زنان شش ملیون بیشتر از مردها است، در کشور های اروپایی نیز تعداد زنان بیشتر از مردان بوده، با تأسف در کشورهای فوق زنان کمتر از ده فیصد از حقوق حقۀ شان در جامعه مستفید میشوند. در افغانستان ازینکه احصائیه دقیق نفوس وجود ندارد باز هم ممکن است مانند سایر کشور های جهان تعداد زنان بیشتر از مردان باشد.

در زمان قبل از اسلام مردان غلام و زنان کنیز بودند، همچنان در ادیان سماوی قبل از ظهور دین اسلام زنان از حقوق سیاسی، مدنی، میراث، تملک و... بهره مند نمی شدند و مردان در جامعه بر حقوق زنان

از هشتم مارچ روز جهانی زن طی محفل با شکوهی به اشتراک محترم عبدالقدیر فطرت رئیس گل د افغانستان بانک، خانم فرزانه رشید رحیمی ناظر کل دافغانستان بانک، زرمینه صمدی آمرعمومی منابع بشری، نادیه صاحب معاون آمریت خدمات، خانم گل یکی از کارمندان فعال د افغانستان بانک و شازیه درانی مسئول اتحادیه زنان د افغانستان بانک، تعداد کثیری از کارمندان اناث، آمرین ادارات د افغانستان بانک و نمایندگان رسانه های جمعی در تالار کنفرانسهای د افغانستان بانک تجلیل بعمل آمد

نخست محترم عبدالقدیر فطرت رئیس گل د افغانستان بانک پیرامون روز جهانی زن صحبت نموده گفت: گرچه گفته می شود زنان نصف پیکر جامعه را تشکیل می دهد

در این رابطه دقیقاً قضاوت نمایند. بناً از اعضا پارلمان و سایر اداراتیکه در راستای قانونگذاری و حقوق کارمی کنند، تقاضا می نمایم که قانون اسلامی را برای اثبات بهتر حقوق زنان از متن قرآنکریم، احادیث و فقه اسلامی تدوین نمایند تا در موقع ضرورت استفاده موثر و سریع از آن صورت گیرد. بعداً خانم شازیه درانی مسئول اتحادیه زنان د افغانستان بانک پیرامون این روز تاریخی و حقوق زن در جامعه صحبت نموده، این روز خجسته را برای زنان کارمند بانک مرکزی، زنان افغانستان و جهان تهنیت گفت. در ختم محفل تقدیر نامه ها، تحسین نامه ها و تحایفی که برای کارمندان اناث د افغانستان بانک از طرف هیئت عامل د افغانستان بانک منظور شده بود توسط محترم رئیس گُل د افغانستان بانک توزیع گردید. ●

نام زنان نامدار دیگر در تاریخ اسلام مانند بی بی فاطمه الزهرا و بی بی خدیجه الکبری نیز درج است که در تاریخ بشریت بیشتر از مردان کار و مبارزه نموده اند. محترم عبدالقدیر قطرت رئیس گُل د افغانستان بانک در اخیر گفت: در نظام اسلام زن از شوهر، برادر و پدر خود میراث می برد، زن در نظام اسلام بسیار گرانقدر است، برعلاوه اینکه حق کار کردن را دارد نفقه او بالای شوهرش لازم می باشد. در قرآنکریم، احادیث و فقه صدها و هزاران حقوق زن گنجانیده شده است، زمانیکه حقوق زن د رجامعه تلف گردد، اثبات حقوق زن در محکمه بسیار مشکل است، زیرا متصدیان محاکم نسبت حجم زیاد نمیتوانند جزئیات تمام آیات، احادیث، و علوم فقه اسلامی را بار بار مرور کنند. تا

محترم رئیس گُل د افغانستان بانک افزود: در تمامی انقلاب هایی که در جهان صورت گرفته زنان از حقوق حقۀ شان محروم بوده اند، آنها زندانی و در زندانها گرسنه نگهداری میشدند در موارد فوق پیامبر گرانقدر اسلام چنین میفرماید: زن و مرد در جامعه مانند دندانهای شانه باهم مساوی می باشند. همچنان حضرت پیامبر (ص) میفرماید: ترجمه: هر طفلی که به دنیا می آید فطرتاً مسلمان می باشد، تعلق به پدر و مادرش دارد که بعداً او را یهودی، نصرانی یا مجوسی تربیه مینمایند. در اسلام زن دارای حق کسب علم، تحصیل و سایر حقوق مانند مردان می باشد، مثال عمده آن بی بی عایشه صدیقۀ (رض) که مانند یک قاید هم خطابه می داد و هم تبلیغ می کرد و هم در غزوات شرکت می نمود، همچنان



طرح میکانیزم قرضه های کوچک برای کارمندان دولت

های اقتصادی جهانی برای بازسازی افغانستان بعد از جنگ، این موضوع با اهمیت تلقی شده است در صورتیکه کشور ها و سازمانهای کمک کننده کمک های شان را بیشتر از دریچه بودجه ملی دولت افغانستان به مصرف میرسانیدند، بدون شک تأثیرات آن ده ها مرتبه بیشتر از آن میبود تا این کمک ها توسط مؤسسات غیر دولتی و بین المللی به مصرف میرسید. مزید برآن عدم توجه و ارج گذاری به اولویت های کاری دولت افغانستان از جانب کشور های کمک کننده و بی توجهی به واقعیت های موجود در جامعه افغانی توسط نهادهای کمک کننده، با مصرف و حیف و میل ده ها میلیارد از کمک های جامعه جهانی به افغانستان از رهگذر پروژه ها و مؤسسات غیر

هایی را روی دست گیرد که با تطبیق آن پایه های دولرداری سالم تقویت گردیده و به مشکلات موجود خاتمه بخشیده شود. اما متأسفانه نظر به دلایل و عوامل متعددی این برنامه ها از یک اندازه ای معین بیشتر نتوانست در عمل تأثیرات مطلوبی را از خود بجا گذارد. اگر روی عوامل مذکور بحث صورت گیرد، به صورت فشرده میتوان گفت که این عوامل به بخش های مختلف تصنیف شده میتوانند. افغانستان در سطح داخلی، منطقوی و جهانی دارای مشکلات زیادی بوده و اکثر این مشکلات جنبه خارجی داشته است که بیشترین نقش را جنبه منطقوی مشکلات در تحولات سه دهه اخیر در افغانستان ایفا نموده است. در پهلوی همکاری

افغانستان با پشت سرگذشتانده سه دهه جنگ، بحران های بزرگ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را تجربه نموده است. این بحران ها در پهلوی بجا ماندن سایر مشکلات و چالش ها از خود، زیر بناها و ساختار های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی کشور را به گونه بنیادی صدمه رسانیده و ویران نموده است. عمده ترین عواقب این بحران ها در اشکال فقر و بیسودای، ضعف حاکمیت سیاسی، ضعف دولرداری، ضعف برنامه ریزی و ضعف حاکمیت قانون امروز انعکاس یافته که همه معلول جنگ دراین سه دهه محسوب میگردند. با آغاز تحولات جدید و رویکار آمدن اداره مؤقت، دولت افغانستان برآن شد تا برنامه



دولتي به تضعیف دولتداری در افغانستان و فرار کادر های ورزیده از سکتور دولت به سکتور مؤسسات به خاطر پرداخت معاشات گزاف، دولت افغانستان را در برابر چالش های بیشتر از پیش قرار داده است.

از سوی دیگر دولت افغانستان که یک دولت نو آغاز بوده و دموکراسی جوان را در کشور تجربه می نماید، نظر به موجودیت چالش های عمده و مزید بر آن عدم موجودیت یک سیستم کاری و ذخیره معلومات به گونه معیاری، نداشتن کادر های پُر کار و دلسوز، عدم برنامه ریزی های منسجم، عدم دسترسی به امکانات مالی کافی و در نهایت پیشبرد جنگ جاری با مخالفان دولت نتوانسته است تا در این افق ده ساله زمانی از حضور جامعه جهانی در کشور در بخش های مختلف استفاده اعظمی نماید.

هر چند به صورت مطلق نمیتوان انکار کرد که تغییرات مثبتی در طی این ده سال رونما نگردیده است، اما با وجود آنهم چالش های عمده فقر و میزان بالای بیکاری، نبود امنیت، ضعف حاکمیت قانون، موجودیت فساد گسترده، کیفیت پائین معارف و امثال آن هنوز هم فرا راه دولت افغانستان قرار دارد که به مبارزه جدی و تحولات گسترده ضرورت دارد.

در حال حاضر افغانستان بیشتر یک اقتصاد مصرفی - وارداتی داشته و کسر بیلانس تجارت آن خیلی فاحش میباشد. در صورتیکه ذخایر اسعاری کشور از رهگذر تولید و افزایش صادرات تأمین نگردد، آینده تجاری کشور و لجام گسیختگی تورم پولی و به تعقیب آن شاید عواقب خطرناک و بحران

آفرین اقتصادی یکبار دیگر احیا گردد. در این رابطه مهم است تا سیاست های همسایگان و منطقه و جهان را در قبال افغانستان نیز مدنظر قرار داد و تا آن وقتی که ما به خود کفایی اقتصادی نرسیم، بدون شک که از وابستگی اقتصادی منحصی عمده ترین متحول که در دسترس همسایه های افغانستان قرار دارد، از سوی این کشور ها در بازی های سیاسی استفاده خواهد شد و کشور ما به مثابه میدان این بازی ها یکبار دیگر شاهد بحران های تکان دهنده تر و قویتر از پیش خواهد بود.

موجودیت نرخ بلند بیکاری در کشور که از جمله بزرگترین چالش ها به شمار میرود، در زنده نگهداری دایره شیطانی فقر نقش اساسی داشته و به مشکلی از مشکلات کشور افزوده است. برای بلند بردن سطح استخدام، شگوفایی اقتصاد و محو فقر در کشور در گام نخست باید زیرساخت های اقتصادی احیا و تقویت گردد و به تعقیب آن پالیسی های جامع و مطلوب مالی، پولی و تجاری مطابق به شرایط حاکم در کشور ترتیب شده، استراتژی انکشاف اقتصادی تعیین، و طرح های تولید ترتیب و عملی گردد؛ تا به این ترتیب بتوان اقتصاد خانواده و ملی را حمایه و تقویه کرد.

امروز در کشور های رو به انکشاف بر اساس نظریات اقتصاددانان معاصر، رشد قرضه های کوچک برای انکشاف اقتصادی خیلی مؤثر واقع شده و در حقیقت سطوح مختلف افراد یک جامعه را تحت پوشش قرار میدهد. اگر این نظریات در کشور ما نیز عملی گردد، بدون شک این امر در بهبود شرایط اقتصاد

فردی یا خانواده مفید واقع خواهد شد. به نظر من، تقویت اقتصاد خانواده در همچو یک حالت بر اساس تجربه ای که امروز جهان دارد، یک نظریه مفید میباشد. بادر نظر داشت شرایط حاکم با طرح میکانیزم اعطای قروض کوچک برای کارمندان دولت سه هدف برآورده شده میتواند، تقویت اقتصاد خانواده، کاهش فساد در یک سطح معین و حفظ منافع دراز مدت مامورین با دولت به صورت استراتژیک. علاوه بر آن از اینکه معاشات در سطح دولت به هیچ وجه کفایت اقتصادی یک مامور دولت را در مقایسه با سطح موجود قیم نمیکند، فلهدذا این مسئله به صورت بالقوه به یکی از عوامل فساد تبدیل میگردد.

اگر این طرح تطبیق گردد، شرایط تسهیلات اعتباری برای چند صد هزار کارمند دولت فراهم گردیده که به همین گونه صد ها هزار خانواده از مزایای این تسهیلات مستفید گردیده و در صورتیکه کشور ما بیشتر یک کشور تولیدی باشد تا مصرفی، این امر در افزایش سطح تقاضای کل نیز مؤثر واقع گردیده و در نتیجه سطح تولید و استخدام افزایش یافته میتواند.

نظر به تجربه ای که از اعطای قروض کوچک در نظام بانکداری افغانستان حاصل گردیده است از اینکه میکانیزم اعطای این قروض نظر به نارسایی های عملیاتی مؤثر نبوده است به این دلیل یک قسمت زیاد این قروض توسط بانک ها به صنف های مشکوک و یا هم صعب الحصول تصنیف گردیده اند.

برای اینکه بتوانیم از دریچه بانکداری به رشد اقتصاد خانواده کمک کنیم، ما باید میکانیزم موجود اعطای قروض کوچک به مامورین



دولت را عوض نمائیم و بجای آن با استفاده از سیستم های جدید و معیاری جهانی به اعطای قروض به گونه ای بپردازیم تا فیصدی نکول یا عدم باز پرداخت قرضه را به صفر برسانیم.

در صورتیکه یک نظم سیستماتیک دیتا یا داده ها در ادارات دولتی ایجاد گردد، که تمامی معلومات راجع به سوابق کارمندان دولت را به آسانی بتوان از طریق سیستم دریافت نمود، در آنصورت در چارچوب همکاری با وزارت محترم مالیه و بانکهای دولتی افغانستان میتوان این طرح را در عمل تطبیق نمود.

این طرح دارای چند پیش شرط اساسی میباشد. در قدم اول برای تطبیق این طرح داشتن حساب معاشات در بانکها برای کارمندان دولت ضروری میباشد. در صورتیکه به گونه یی کامل تمامی کارمندان دولت دارای حساب معاش در یکی از بانکها نباشند، در آنصورت باز هم این طرح تطبیق شده میتواند اما روند کار یک اندازه پیچیده تر میگردد. این امر به صورت جداگانه در رشد فرهنگ بانکداری و استفاده از خدمات بانکی کمک نموده و از جانب دیگر در رشد سکتور بانکداری در کشور نیز ممد واقع میشود.

در قدم دوم یک چارچوب همکاری بین ارگان های ذیربط از جمله وزارت مالیه، بانکهای تجاری و تمامی ارگانهای دولتی باید ایجاد گردد و توسعه یابد تا به وسیله آن توافق روی کسر یک فیصدی معین معاشات نهاد های دولتی برای بازپرداخت قروض توسط سیستم به صورت اتوماتیک صورت گیرد.

در قدم سوم برای اجرای این طرح کارمندان نیازمند به قروض کوچک در چارچوب موافقت اداره مربوطه شان به اخذ قرضه از بانک ها متوسل شده و بانکها بعد از طی مراحل قانونی و تکمیل معلومات و اخذ موافقه از ادارات مربوطه، به تضمین معاش و تقاعد کارمندان به اجرای قرضه مبادرت ورزند.

در قدم چهارم بانکها با ترتیب نمودن تقسیم اوقات بازپرداخت اقساط قروض یک کاپی آنرا در چارچوب موافقت قبلی با وزارت محترم مالیه و سایر ادارات دولتی به آن وزارت فرستاده و هنگام اجرای معاشات به صورت سیستماتیک فیصدی معینی از حساب معاشات کارمندان کسر شده و به حساب واحد بانک مربوطه با ذکر جزئیات آن داخل سیستم گردد. این امر باعث میشود تا بانک مستقیماً در جمع آوری قروض کوچک که خیلی پُر مصرف و مشکل میباشد، مصروف نگردیده و تمام کار ها به صورت سیستماتیک انجام شود.

در صورتیکه دولت بتواند همچو یک سیستم را ایجاد نماید، این طرح به آسانی قابل تطبیق میباشد. علاوهً در صورتیکه ادارات دولتی بخواهند هر کدام خود میتوانند با استفاده از این سیستم با کسر فیصدی معین معاشات، قرضه کارمندان را قبل از اجرای معاشات، وضع نموده و به حساب بانک مربوطه انتقال دهند. این طرح در حقیقت بیشتر روی وضع اقساط بازپرداخت قرضه به صورت مستقیم توسط جناح سومی تمرکز داشته که در راستای جمع آوری قروض، بانکها را به صورت کامل کمک نموده و مصارف

عملیاتی جمع آوری قروض را به صورت چشمگیر کاهش داده و علاوه بر آن خطر نکول قرضه را به صفر تقلیل میدهد. قابل یادآور است که یکی از دلایلی که بانکها به آسانی علاقه مند به اجرای قروض کوچک نیستند عبارت از این است که جمع آوری آن خیلی مشکل بوده و مصارف هنگفت عملیاتی را به همراه دارد. در صورتیکه کسر اقساط قرضه از منبع اجرای معاشات انجام شود و با بانکها در این راستا همکاری صورت گیرد بدون شک میتوان گفت که نرخ رشد استفاده از قروض کوچک من حیث اصل رشد اقتصاد خانواده به صورت سریع بالا خواهد رفت و علاوه بر آن تسهیلات اعتباری بانکی در راستای فقر زدایی کمک خواهد کرد. با تطبیق این طرح در عمل مشکلات مالی کارمندان دولت در بخش های خریداری نمره های رهائشی، اعمار مسکن، خریداری لوازم ضروری خانه، تحصیل فرزندان، خریداری اجناس مصرفی و امثال آن تا اندازه ای کاهش یافته و حتی میتوانند با این قرضه ها به فعالیت های کوچک اقتصادی برای تقویه اقتصاد خانواده استفاده کنند. در اخیر باید یاد آور شد که این طرح با خود مزایایی مانند: رشد فرهنگ بانکداری و استفاده از قروض و خدمات بانکی در کشور، انکشاف فعالیت های بانکی و تقویه و رشد قروض کوچک، کاهش فساد در یک سطح معین در ادارات دولتی با رفع احتیاجات مامورین دولت از طریق اعطای قروض کوچک و تشویق مامورین دولت برای حفظ تداوم کار با دولت با صداقت و جدیت در کار را در بر دارد که عاری از خلق مفیدیت برای دولت نخواهد بود. ●



تصویر این شماره

ارتباطات و اهمیت آن

را در مقابل ضوابط قرار میدهند و معتقد اند که روابط باید جای خود را به ضوابط بدهد، طوریکه مشاهده شد افراد برداشتهای متفاوت از ارتباط دارند، شاید به همین دلیل است که نویسنده ای (chameleon) در تعریف ارتباطات آنرا به آفتاب پرست تشبیه کرده، واژه ای که در هر ذهن به رنگ خاص درمیآید و مفهوم خاصی بخود میگیرد.

ارتباطات از کلمه لاتین Communis که مفهوم Common را میدهد گرفته شده است و عبارت از طریق یا شیوه تکامل یافته ارسال و مرسول و تبادل اطلاعات، کلمات و سمبول های معنی دار است، احساسات و عواطف در میان اشخاص، اعضای یک سازمان و یا سازمان ها میباشد، طوریکه در تعریف فوق اشاره گردید تبادل احساسات و عواطف نوعی از ارتباطات میباشد، مثلاً: زمانیکه در نگاه، حالات چهره، طرز رفتار یا لحن صدا نکته ای هست که بازگو کننده احساسات و عواطف میباشد بدون

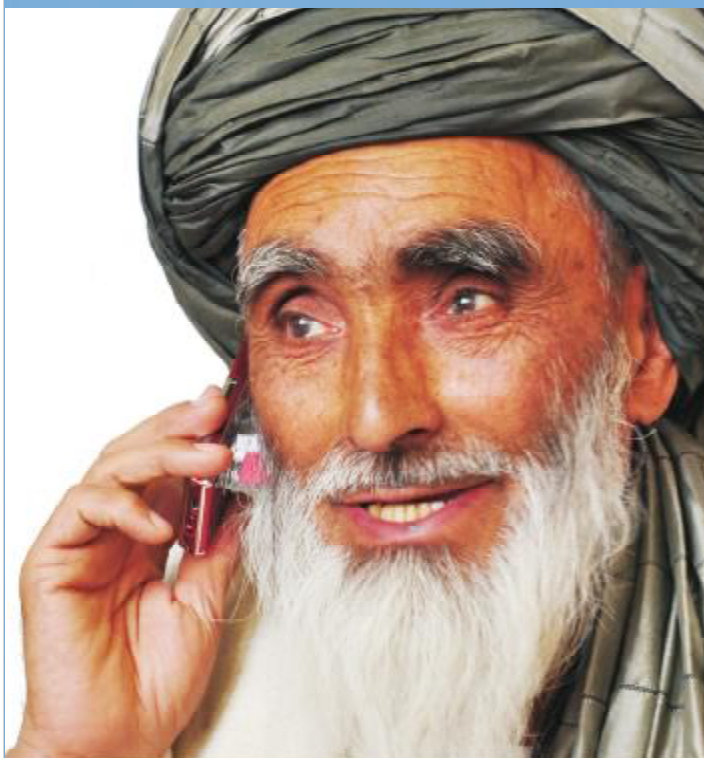
جهان در ابتدای هزاره سوم گام برمیدارد تحولات و انکشافات گسترده در همه ابعاد زندگی بشر به ویژه در بُعد ارتباطات غیرقابل انکار است، ارتباطات از جمله عناصر عمده در تمام ادارات و سازمان هایی میباشد که به هدف یک زندگی طولانی وارد بستر حیات شده اند.

عصری که هر لحظه اش در گرو تغییرات و تحولات شگفت انگیز است که ارتباطات نقش اصلی را دارا میباشد. تحقیقات نشان میدهد که حدود بیش از هفتاد و پنج فیصد از وقت روزانه ما به نحوی در تماس و ارتباط با دیگران میگذرد، به همین دلیل کیفیت زندگی هر شخص بستگی به نحو و کیفیت ارتباط او با دیگران دارد، مثلاً: همه ما در محیط کاری خود دارای فرصت یکسان میباشیم اما تنها اشخاصی میتوانند مسیر پیشرفت را سریع طی نمایند که قدرت ارتباط گیری شان بیشتر باشد، اینها احترام بیشتر، اعتبار بیشتر و مقام بالا تری کسب مینمایند، از قدرت کلام خوبی برخوردار هستند و در هر گونه شرایط میتوانند تأمین ارتباط نمایند.

همین ارتباطات هست که در سطح جهانی باعث روابط دوستانه میان ملل مختلف گردیده است و سایه کدورت را از فضای ارتباط ملتها زدوده است.

تعریف ارتباطات:

اغلب اشخاص برداشتی واضح و همه جانبه از ارتباطات در ذهن ندارند، گروهی ارتباطات را در سازمان ها منحصر به مکاتیب اداری و ارسال و دریافت آن میدانند، گروهی ارتباطات را به وسائل ارتباط جمعی مانند تیلیفون، تلگراف، رادیو و غیره ارتباط میدهند و برخی هم ارتباط



آنکه صریحاً خواسته باشیم ارتباط برقرار کرده ایم. طوری که مشهود هست انسان ها هستند که به تأمین میگردند. وجود ارتباطات مؤثر و مفید در سازمان ها همواره یکی از اجزای مهم در توفیق مدیریت به شمار آمده است، تجربه ثابت کرده است که اگر ارتباط صحیح و سالم فضای ارتباطات سالم است که اطلاعات و معلومات در همه سطوح اداره موفقانه بدسترس همه قرار میگیرد. در واقع انجام کلیه وظایف مدیریت در فضای ارتباطات سالم، بیشتر مقدور و میسر می باشد، ارتباطات سالم و سازنده تار و پود سازمان را با هم پیوند میدهد و این رشته های ظریف را به فولاد تبدیل مینماید، سه جزء اصلی خلاصه نماید که شامل پیام، فرستنده پیام و گیرنده پیام میباشد، برای ایجاد ارتباط وجود سه جزء مذکور لازمی میباشد، اگر هر یک از این اجزا را نادیده بگیریم ارتباطات تأمین نخواهد شد، فرض کنید درخت کهن سالی از شدت ریزش برف در یک صحرای دور افتاده بشکند آیا صدای آن به گوش شخصی خواهد رسید؟



در سازمان برقرار نگردد جریان امور مختل و کار ها فاقد نظم میگردد، هماهنگی، هدایت، کنترل و غیره وظایف مدیریت بدون ارتباطات مؤثر، غیر قابل تحقق میباشد. در غیاب عنصر ارتباطات سالم، اداره کردن سالم سازمان امر مشکل میباشد، در هر سازمان سیستم ارتباطات باید بصورت کار آفعال بوده و از جریان ارتباطات سازمان، آمر اداره در جریان قرار گیرد تا در پرتو آن آمر سازمان نحو عملکرد بهتری را به سازمان ارایه دهد، در ناگفته نباید گذاشت فراهم نمودن زمینه ارتباطات سالم در اداره از وظایف مدیریت میباشد، مدیرانی که بیشتر از مسائل جامعه شناسی، روان شناسی و دانش ارتباطات بهره مند هستند در این عرصه توفیقات بیشتری نصیب شان میگردد، البته نباید نقش همه کارمندان سازمان را در تأمین ارتباطات سالم به دیده اغماض نگرست، از مقامات بالای سازمان الی سطوح پایین همه در تأمین ارتباطات نقش دارند. یک فرایند ساده، ارتباطات را میتواند در جواب منفی خواهد بود چون گیرنده پیام نداشت در حالیکه آن شکستن درخت در سکوت صحرا طنین انداخته است و یا سخنرانی که مطالب تکراری و کسل کننده ای را بیان میدارد و برنامه تبلیغاتی و اطلاعاتی که هیچکس بدانها توجه نکند نمونه یی از ارتباطات ناقص میباشد که بدون گیرنده اند. بنابر این زمانی فرایند ارتباطات کامل میباشد که هر سه جزء طوری که در آن موجود باشد. ●

محمد اسرار پویا سرپرست کابل بانک در تورغندی

د اسلامي اقتصاد له نظره اوسنی مالي کړکيچ

سلنه لوړه طبقه (۳۴،۵٪) شخصي شتمني په لاس کې لري، (۱۹) سلنه وایه سوداگر مهارت لرونکي او اداره کوونکي (۵۰۵) سلنه شتمني له ځانه سره لري. دا پدې معنی چې یواځې ۲۰ سلنه خلک (۸۵) سلنه شتمني لري او یواځې (۱۵) سلنه شتمني (۸۰) سلنه نور هغه وگړو ته پاتې ده چې د ټولنې په لاندې پوړ کې ژوند کوي.

خو دا حالت په پرمختیایي او وروسته پاتې هېوادونو کې له دې هم خرابه ده، نن ورځ ټوله نړۍ د روان مالي کړکيچ څخه سر ټکوي خو ډېر کم خلک پدې پوهیږي چې دا یواځې د شتمنو خلکو مالي کړکيچ ده.

بې وزله خلک خو هر وخت له دا ډول ستونزو سره لاس او گریوان وي. مونږ ځینې ارزښتونه او اصولو ته اړتیا لرو ترڅو ټولې هغه ستونزې له منځه لاړې شي چې په اوسني سیستم کې شتون لري. په اوسني سیستم کې ځینې داسې فکتورونه شته چې هغه اقتصادي (Monopoly)

(مونا پولی یا بازار نیونې ته لاره هواروي او د بازار عاملین نه پریري چې رښتني توازن منځ ته راوړي. دلته ځینې نور داسې فکتورونه هم شته چې هغه دا راز او تقاضا یو مصنوعي سیستم منځ ته راوړي رښتني اقتصادي اړتیاوې نه منعکسوي.

روان مالي کړکيچ له روپۍ او بانک څخه پیل شوی، نو اړینه بریښي چې په مالي سیستم کې د روپۍ رول ته یوه لنډه کتنه

باندې له سره کتنه کېږي دې اصل ته باید ډېر ارزښت ورکړل شي. آزاد بازار د ډېرو اقتصاد پوهانو لخوا پدې بد گڼل کېږي چې په نړۍ کې د شتمنۍ په وېش کې غیرعادلانه رول لوبوي کله چې کمونیزم په عمل کې ناکام شو نو د آزاد بازار پلویانو لپاره یو طلايي چانس و، دوی داسې انگیرله چې په اقتصادي او سیاسي لحاظ له دې څخه پرته بل معقول او سم سیستم نشته خو د آزاد بازار په غوړیدو سره د شتمنو او غریبو تر منځ واټن لا پسې زیات شو.

(Market forces) د بازار عاملین د آزاد بازار له بنسټیزو اصولو څخه دي چې په اسلامي اقتصادي نظریه کې هم ځای لري خو دا باید داسې په خپل سر پرې نه ښودل شي، ورباندې ځینې محدودیتونه و لگول شي ترڅو د ټول بشریت گټې پکې خوندي وساتل شي کله چې مونږ د یو اقتصاد په هکله فکر کوو نو یوازې د هغه عددي وده په پام کې نیول کیفیت نه کوي باید په عادلانه توگه د ټولنې د ټولو قشرونو اړتیاوې پوره کول هم په پام کې ونیول شي. سره له دې چې پرمختللي کاپیټالیست هېوادونو د بازار لپاره ځینې قیودات او قوانین وضع کړي دي خو بیا هم په ټولنه کې د شتمنۍ په عادلانه وېش کې پاتې راغلي دي. امریکایي اقتصاد پوه ویلیم ډوم هاپ د شتمنۍ دغه متمرکز کیدل داسې خلاصه کوي، د ټولنې یوه

د لومړي ځل لپاره د اوسني اقتصادي کړکيچ څخه وروسته د اقتصادي ستونزو د حل په موخه مختلف وړاندیزونه وړاندې کیدل- د نړیوال اقتصادي فورم مذهبي پوهانو بلنه ورکړه ترڅو دوی خپل وړاندیزونه د اقتصاد د بیا کتنې لپاره چې په ارزښتونو، اصولو او په نوي افکارو بنا وي وړاندې کړي- د بلنې دې اقدام ته د مذهبي کړیو لخوا تود هرکلي وشو.

د اوسني اقتصادي کړکيچ نړیوال حالت په نړیوال سیستم کې بدلون ته ډیره اړتیا لري، اوسنی مالي سیستم باید په حقیقي ارزښتونو، سالمو اصولو بناء او نوی شي تر څو په راتلونکي کې د دې ډول کړکيچونو مخه ونیول شي. د نړیوال اقتصادي فورم رئیس د غونډې په ورستی ورځ گډوډوالو ته وویل، نن ورځ مونږ دې پایلې ته رسیدلي یو چې یا به بدلون راولو یا به له اوسنۍ بدمرغۍ او انحطاط سره روان یو، د اقتصادي ناوړین د مخنیوي لپاره د اسلامي اقتصاد ځینې بنسټیز ټکي باید په پام کې ونیول شي.

۱- آزاد بازار: یو له بنسټیزو اصولو څخه چې قرآنکریم پرې ډېر ټینګار کړی دی، هغه شتمني چې په یوه ټولنه کې منځ ته راځي باید په عادلانه ډول ووېشل شي د څو تنو په لاسونو کې باید پاتې نشي. قرآنکریم فرمایي: شتمني باید ستاسې د شتمنو سره پاتې نشي (۵۹:۷) نو پکار دا ده چې کله په اقتصادي سیستم

و کړو. روپۍ د توکو د راکړې ورکړې د ارزونې معيار ده چې د توکو او خدماتو د سوداگرۍ لپاره پکار وړل کېږي. که چېرې روپۍ پخپله د سوداگرۍ لپاره پکار واچول شي نو بيا اصلي هدف له لاسه ورکوي چې هغه د توکو د تبادلې لپاره يو معيار ده، روپۍ په ذاتي ډول کومه گڼه نه لري دا لامل ده چې په مستقيم ډول د انسان اړتيا نشي پوره کولی ترڅو د توکو او خدماتو لپاره تبادله نه شي.

کينز وايي: روپۍ لگښتي او توليدونکۍ توکۍ نه دي، دا يواځې او يواځې د تبادلې لپاره يو معيار ده. ځينې پوهان په دې نظر دي چې روپۍ پخپله توکي دي، پدې معنی چې د روپۍ د سوداگرۍ لپاره بايد روپۍ په کار واچول شي، چې دا ډول سوداگري او راکړې ورکړې سود منځ ته راوړي. پدې کې حقيقي توکي نه کارول کېږي د روپيو د سوداگرۍ لپاره بانکونه منځ ته راغلي. چې په نني عصري بانکي سيستم کې د سود له لارې د روپيو د لاسته راوړلو په موخه ډېر پرمختللي معاملې ترسره کېږي چې هغه ته (Derivative) وايي. په بانکي سيستم کې دا ډول پيچيده او پرمختللو معاملې د (Financial Engineering) په نوم يادېږي. (Derivatives) د يو شي څو سله ځلې پلورل لکه، يو بيرل تيل څو سوه ځله پلورل، د قيمتونو د تفاوت څخه گڼه لاسته راوړل. راکړې او ورکړې د توکو اسنادو پورې محدودوي. دا ډول غير حقيقي راکړې ورکړې د روپيو حجم دا ټولې نړۍ له (G.D.P) څخه (۱۲) ځلې زياته ده، د (Derivatives) ټول ارزښت

په (۲۰۰۸) کې (۷۴۱،۱) تريليونه ډالره حساب شوی ؤ، په داسې حال کې چې د ټولې نړۍ (G.D.O) يواځې (۶۰،۶) تريليونه ډالره ؤ. په ۱۹۹۶ ميلادي کې د (Derivatives) ټول ارزښت يواځې (۶۴) تريليونه ډالره ؤ، (۷۴۱) تريليونه يعنې (۷۴۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) عدده تصوراتي روپۍ دي، په دې هکله اقتصاد پوه ريچارد تومسن وايي: (۷۴۱) تريليونه ډېر لوړ رقم تاسې څنگه تصور کولای شۍ؟ تاسې ويلای شۍ که چېرې د دې لوی عدد نوټونه يو په يو سر په سره کېښودل شي نو د ځمکې څخه لمر ته به (۶) ځلې او سپوږمۍ ته به (۲۵،۹۰۰) وارې ورسېږي.

په حقيقت کې دومره ډيرې روپۍ کومه حقيقي بڼه نلري، خو وجود او شتون يې تر يو حده پورې محدود وي. په حقيقت کې دا يواځې يوه پيچيده مالي حباب (پوکاني) ده. په حقيقي ډول په اقتصاد کې کومه وده منځ ته نه شي راوړلۍ. امام غزالي (رح) (۹۰۰) کاله وړاندې ويلي دي چې روپۍ بايد پخپله سوداگريز شۍ ونه گرځول شي.

د سود په هکله وايي چې په اسلام کې سود ځکه حرام ده چې انسان د حقيقي اقتصادي کړنو څخه لرې ساتي ځکه کله چې يو کس ډيرې روپۍ ولري هغه پرته د کوم حقيقي فعاليت څخه د سود له لارې نورې روپۍ لاسته راوړلۍ شي چې دا کار بيا د ټولنې د ښيرازتيا مخه نيسي د (Derivatives) له لارې په امريکا کې يو بيرل تيل د يو کال په موده کې (۲۰۰) ځلې هم پلورل شويدي. د اسلامي اقتصاد

له نظره د يوې ټولنې پرمختگ، وده، ښيرازتيا او خوشحالي د حقيقي سوداگريز فعاليتونو، مهارتونو، صنعت او ودانيزو کارونو څخه پرته نا شونې ده.

د ۱۹۳۰ ميلادي کال له اقتصادي لوی ناورين څخه وروسته د اقتصادي ناورين لپاره جوړ شوي کميسيون د سوتامپټن په مشرۍ غونډه وکړه ترڅو د رامنځ ته شوی کړکيچ لومړني لاملونه ښکاره کړي، دوي داسې نظر ورکړ چې له روپيو څخه دې ذاتي کار واخستل شي چې د ټولو لپاره د راکړې ورکړې يو معيار وگرځي نو بايد پخپله د روپيو په سوداگرو باندې بنديز ولگول شي.

نني، يعنې مال کاپيټاليسټ سيستم د روپيو سوداگري نوره هم پراخه او پيچيده کړه تر دې چې دا پوکاني د اوسني مالي ناورين په څير وخوځيده. دا هر څه له دې امله رامنځ ته شول چې روپۍ د توليدونکي ماشين په شان د سود له لارې د نورو روپيو د توليد اجازه لرله.

له دې حقيقت څخه هم انکار نه شي کيدای چې سمه روپۍ په سوداگرۍ او صنعت کې مهم رول لوبوي، که چېرې سود ته اجازه ورکړل شي نو د سپما شويو روپيو څخه به لوی شرکتونه چې د يو هېواد د پرمختگ لامل گرځي څنگه استفاده وکړي؟

د دې پوښتنې يو آسان ځواب دا کيدای شي، چې سپما کوونکي بايد د لويو شرکتونو په گڼه کې د دې روپيو په تناسب سره شريک کړي. خو په اوسني سيستم کې د ټولنې کم خلک د ټولنې د زياتو خلکو گڼې په خپلو جيبونو کې اچوي. ●

بازار چیست؟



ما می توانیم واحد های اقتصادی را نظر به عملکرد های شان به دو گروپ عمده تقسیم کنیم: خریداران و فروشندگان، خریداران شامل مستهلکین اند که اجناس و خدمات را خریداری می کنند و تصدیها، آن واحد های اقتصادی اند که کار، سرمایه و مواد خام را خریداری تا اجناس و خدمات را تولید کنند. فروشندگان شامل تصدی هایی میشوند که اجناس و خدمات را عرضه می کنند. کارگرانی که خدمات را بفروش می رسانند، مالکین منابع که زمین را اجاره می دهند یا منابع معدنی را به تصدی ها می فروشند. واضح است که اکثر مردم و تصدی ها منیث خریدار و

هم منیث فروشنده عمل می کنند مگر با وجود آن بهتر است هر گاه چیزی را می فروشند آنان را فروشنده و وقتیکه چیزی را می خرند صرفاً خریدار تلقی کنیم.

خریداران و فروشندگان رابطه متقابل دارند که این رابطه بازار ها را تشکیل می دهد، بازار اجتماعی از فروشندگان و خریداران است که با ایجاد رابطه متقابل، قیمت یا مقدار یک محصول را معین می سازد، طور مثال: در بازار کمپیوتر، خریداران آن تصدی های تجارتی، خانواده ها و شاگردان می باشند. صنعت مجموعه یی از تصدی هاست که محصولات مشابه یا قسماً مشابه را به فروش میرسانند. صنعت در

حقیقت بخش عرضه بازار را تشکیل میدهد. اقتصاد دانان اکثراً علاقمند به تعریف بازار هستند بازار مشخص که خریداران و فروشندگان شامل آن باشند.

بازار ها مرکز فعالیتهای اقتصادی را تشکیل می دهند و بسیاری از جالبترین مسایل و موضوعات در اقتصاد به چگونگی عملکرد آنها مربوط می شود.

طور مثال: چرا در بعضی بازار ها تنها چند تصدی با هم به رقابت می پردازند در حالیکه در بازارهای دیگر تعداد بیشتری از آنها رقابت می کنند؟

در صورتیکه تعداد بیشتر رقابت کنند، مستهلکین در رفاه بیشتر قرارخواهند



گرفت؟ هرگاه جواب مثبت باشد بهتر نیست دولت در بازارهایی که در آنها چند تصدی وجود دارد، مداخله کند؟ چرا قیمت ها در بعضی از بازار ها سریعاً افزایش و یا کاهش می یابد؟ درحالیکه در بازارهای دیگر سطح قیم هیچ گاه تغییر نکرده است؟ و بالاخره کدام بازارها بهترین فرصت ها را به یک تصدی میدهد که تصمیم به شروع کار دارد؟

بازار های رقابتی در مقابل بازار های غیر رقابتی

روش مارکیت های رقابتی و غیررقابتی بررسی می شود. یک بازار رقابت کامل خریداران و فروشندگان زیادی دارد، طوریکه هیچ یک از خریداران و فروشندگان انفرادی بالای قیمت تأثیر وارد کرده نمی تواند.

بسیاری از بازار های زراعتی مشابه دارای رقابت کامل میباشند. طورمثال هزاران دهقان گندم تولید می کنند. درمقابل هزاران خریدار آن را برای تولید آرد و سایر فرآورده ها میخرند درنتیجه هیچ دهقان انفرادی و هیچ خریدار انفرادی نمی توانند بالای قیمت گندم تأثیر مهم بگذارند.

بسیاری از بازار ها به قدر کافی رقابتی هستند که میتوان آنها را یک بازار رقابت کامل تلقی نمود. طور مثال بازار جهانی مس شامل تعدادی تولید کنندگان اصلی است. این تعداد کافی است که اگر یکی از آنها از بازار خارج شود تأثیرش بر

سطح قیمت ها ناچیز باشد. این حالت برای بسیاری از بازار های منابع طبیعی و معدنی مانند ذغال، آهن، قلعی و چوب صدق میکند.

سایر بازار ها شامل تعداد کمی از تولید کنندگان می باشند ولی با آنها می توان آنها را برای تحلیل رقابت به بحث گرفت. طورمثال صنعت خط هوایی ایالات متحده امریکا شامل یک تعداد از شرکت های هوایی است، ولی اکثر خطوط تنها بوسیله چند شرکت اداره می شود. با آنها رقابت بین چند شرکت اکثراً به اندازه کافی شدید است، طوریکه به منظور اهداف معین بازار را میتوان رقابتی تلقی نمود. بالاخره بعضی ازبازارها شامل تولید کنندگان زیادی هستند مگر غیر رقابتی اند. به این معنی که هر کدام از تولید کنندگان به تنهایی می توانند بر قیمت بازار تأثیر وارد کنند بازار نفت جهانی یک مثال آن میباشد، چون از اوایل دهه ۱۹۷۰ این بازار زیر تأثیر کنترل اوپک قرار گرفته است (کارتل یک گروپ از تولید کنندگان را گویند که طور دسته جمعی عمل می کنند).

بازار قیمت

بازار ها زمینه معاملات بین خریداران و فروشندگان را مهیا می سازند. مقدار معین یک جنس به قیمت هایی به فروش می رسد. در بازار رقابت کامل یک قیمت که بنام قیمت بازار یاد میگردد، حکمفرما میباشد. قیمت گندم در شهر کانزاس و قیمت طلا در نیویارک دومتال آن است.

این قیمت معمولاً به سهولت قابل دسترسی هستند. طور مثال می توان قیمت جواری، گندم یا طلا را هر روز در بخش اقتصادی روزنامه ها دریافت کرد.

در بازار هایی که رقابت کامل در آن وجود ندارد، امکان دارد تصدی های مختلف، قیمت های متفاوت را بالای محصول مشابه وضع کنند. این اختلاف قیمت ها بخاطر جذب مشتریان بیشتر از رقبایشان واقع گردد، یا بخاطر علاقمندی مشتریان به نوع مشخص یک جنس، امکان اخذ قیمت بیشتری را نظر به قیمت تصدی رقیب برای یک تصدی فراهم سازد، طورمثال دو قطی پودر لباس شویی با مارک های متفاوت شاید در فروشگاه به دو قیمت متفاوت بفروش برسند یا دو فروشگاه در یک شهر یک نوع پودر لباس شویی با قیمت های متفاوت بفروش برسانند، در چنین موارد و قتیکه به قیمت بازار اشاره می کنیم، منظور ما اوسط قیمت ها در بین انواع مختلف پودرها و یا اوسط قیمت در بین فروشگاه ها می باشد.

قیمت بازار اکثر اجناس طی یک زمان در نوسان می باشد و برای بیشتر اجناس این نوسانات می تواند سریع باشند. این نوسانات مشخصاً برای اجناسی که در بازار های رقابتی بفروش می رسند، صدق می کند. طور مثال بازار سهام قویاً رقابتی است بخاطریکه نظر به نوع مارکیت تعداد زیادی از خریداران و فروشندگان برای سهام وجود دارند. هر یک از کسانی که در بازار سهام

سرمایه گذاری کرده اند می دانند که قیمت سهام هر دقیقه در نوسان بوده تغییر می نماید و امکان کاهش یا افزایش زیاد آن در یک روز وجود دارد. به همین ترتیب قیمت امتعه چون: گندم، نفت، طلا، نقره و چوب می تواند طور قابل ملاحظه یی در یک روز یا هفته افزایش یا کاهش سریع داشته باشد.

تعریف بازار - وسعت یک مارکیت

طوری که ملاحظه نمودیم تعریف بازار بازگو کننده بازاری می باشد که خریدار و فروشنده در آن شامل باشند. بهر صورت برای تعیین شمولیت خریدار و مشتری در بازار ما نخست باید وسعت مارکیت را مشخص نماییم. وسعت بازار به حدود و وضعیت جغرافیایی آن و به دوره های تولیداتی که باید در آن محدوده شامل باشند، بر میگردد.

بطور مثال به بازار نفت مراجعه میکنیم ما باید محدوده جغرافیایی آن را بدانیم به گونه مثال ما به مرکز لوس انجلس، جنوب کالیفرنیا و یا در تمام ایالات متحده مراجعه میکنیم؟ ما باید در مورد تولیدات مورد نظر خود بصورت کامل آگاهی داشته باشیم و درین بازار باید بنزین با بنزین رهبری شده و غیر رهبری شده و مواد احتراقی بنزین و نفت نیز شامل باشند.

برای بعضی اجناس ضرورت میافتد که راجع به یک بازار در دوره های محدودیت سرحدات جغرافیایی بحث

نماییم. اکثر مردمی که در مرکز شهر شیکاگو کار میکنند آنها خانه ای را جستجو میکنند که در فاصله نزدیک قرار داشته باشند. آنها خانه هایی را با فواصل ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلو متری نخواهد پسندید ولو به قیمت پانزین میسر گردد. زیرا خانه هایی که ولو حتی زمین آن در ملکیت آنان بوده و در ۲۰۰ کیلو متری قرار داشته باشد نخواهند توانست به وقت معین به مرکز شیکاگو برسند. بدین معنی که بازار خانه در شیکاگو جدا و محدود تر از خانه هایی که در شهرهای کلیولند، هاستون، اتلانتا یا فلادلفیا است. همچنان مارکیت پرچون فروشی نفت با محدودیت کمتر جغرافیایی هنوز ساحوی به نظر میرسد زیرا مصرف انتقال آن توسط کشتی از فاصله دور گران تمام میشود. بدین معنی که بازار نفت در جنوب کالیفرنیا از بازاری که در ایالت ایلینویز ایالات متحده امریکا قرار دارد محدودیت بیشتر دارد. بعبارۀ دیگر طوری که قبلاً راجع به بازار طلا در بازار جهانی یادآور شدیم امکانات معاملات آریتر از نوسانات قیمت از یکجا نسبت به جای دیگر جلوگیری مینماید.

ما به سلسله تولیدات شامل مارکیت دقیقاً فکر مینماییم. بطور مثال بازار کمره (SLR) ۳۵mm با نشان های زیادی در بازار رقابت میکنند. مگر راجع به کمره های فوری پولراید چه؟ آیا آنها نیز جزء همین بازار بوده میتواند؟ احتمالاً نه، زیرا

آنها برای اهداف مختلف بکار برده شده و با کمره های SLR رقابت نمیکند. بنزین یک نمونه دیگر است بنزین نیز ممکن در قسمت این بازار شامل گردد. زیرا موتر هایی که از بنزین استفاده مینمایند نمیتوانند از دیزل استفاده نمایند و یا عکس آن.

تعریف بازار نظر به دلایلی دارای اهمیت است طور مثال یک کمپنی باید بداند که که ها رقیب او در فروش محصول مورد نظر او که حالا و یا در آینده بفروش میرساند، میباشند؟ همچنان مشخصات سرحدی و جغرافیایی اش را بداند تا قادر به تنظیم قیمت، حکم اعلان بودجه و اتخاذ تصمیم در مورد سرمایه گذاری باشد.

تعریف بازار برای تصمیم راجع به پالیسی عامه نیز حایز اهمیت است. دولت باید امکان اتحاد یا ادغام چندین کمپنی را که عین تولید را انجام میدهند به شرکتها بدهد یا اینکه با آنها مقابله کند؟ جواب این سوال بستگی به آن دارد که این اتحاد یا امتزاج شرکتها به چه میزان روی رقابت و قیمت در آینده دارد و اغلباً این موضوع با تعریف مارکیت روشن گردیده میتواند. ●

ارتباط عمیق میان منابع آبی و سکتور های اقتصادی کشور

انگلیس ها کشف گردید استخراج آن بشمول استخراج معدن مس، طلا، گاز، نفت (حوزه نفت دو راهی حیرتان، حوزه نفتی کنواز، حوزه نفتی مزار شریف، حوزه نفتی افغان تاجک، حوزه گاز شبرغان، احیای چاه های گاز جرق و دوق، و...) به انرژی برق ضرورت دارد از طرف دیگر نبود انرژی برق با وجود آنکه افغانستان منابع مواد اولیه سمنت را که عبارت از ذغال سنگ و چونه می باشد به وفرت در اختیار دارد، معادن ذوب آهن نیز بر اساس همین مشکل ایجاد نگردیده و سالانه میلیارد ها دالر سمنت و آهن آلات از خارج وارد می گردد. سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی بعد از انتقال به خارج در کشور مذکور برای هفتاد هزار نفر شغل ایجاد نموده و مبلغ یک میلیارد و دوصد ملیون دالر عاید بار می آورد. ساحات قابل زرع در کشور ۷/۹ ملیون هکتار اراضی بوده که از جمله ۵/۳ ملیون هکتار اراضی قابل آبیاری است اما در شرایط فعلی با وجود آنکه ۸۰ فیصد نفوس کشور مشغول زراعت هستند ۱/۸ ملیون هکتار زمین تحت آبیاری قرار دارد. در صورتیکه قسمت بیشتر اراضی کشور تحت آبیاری قرار گیرد مردم از نقطه نظر مواد خوراکی به خود کفایی می رسند. از طرف دیگر بیشتر کارخانجاتی که امروز به سبب نبود برق در پارکهای صنعتی به رکود مواجه اند به فعالیت آغاز می نمایند. با اعمار بند برق در ساحه (کت) در مسیر دریای لوگر، ساخت ذخیره بند شاه توت در دره تنکی سیدان ولایت میدان وردگ، اعمار ذخیره بند ساحه حاجیان متصل پل سرخ ولایت میدان وردگ برای شهر کابل اهمیت و رول بسزایی دارد زیرا هم آب آشامیدنی پاک برای همشهریان کابل میسر می گردد و هم در یای کابل را از کثافات پاک ساخته و ذخیره آب فابریکه های برق ماهیپر، درونته و سروبی را نیز پر از آب می سازد. نظر به اظهارات مقامات مسئول سالانه ۷۵ میلیارد متر مکعب آب از منابع روی زمینی و زیر زمینی در کشور تولید می شود که تنها سی در صد آن مورد استفاده قرار می گیرد متباقی آن به هدر می رود. همچنان باید یاد آور شد که در کنار موجودیت برق ارزان، برای رشد زراعت و صنعت با استفاده از منابع آبی کشور، ایجاد مکتب حجاری برای کندن کاری و استفاده درست از معادن کشور یکی از ضرورت های اجتناب نا پذیر است. ●

عبدالحفیظ شاهین

افغانستان با امکانات موجود در طبیعت جغرافیایی خود، نقش حیاتی در اقتصاد و تأمین مواد مورد ضرورت و اولیه همه سکتور های تولیدی را دارا میباشد. امروز رشد سریع و ساختار تکنولوژی پیشرفته در جهان، مقدار، کیفیت و اهمیت منابع طبیعی کشور ما را بیش از پیش برجسته ساخته و ثابت می سازد که کشور ما دارای منابع آبی و معدنی غنی تری در جهان می باشد. یکی از عوامل عمده فقر در کشور ما که مصیبت های گوناگونی را بیار آورده است عدم استفاده درست از منابع آبی است که سبب کمبود برق و آبیاری زمین های زراعتی در سراسر کشور گردیده است، زیرا نبود برق در کشور حیثیت نبود خون در شاه رگ پیکر آنرا معنی میدهد. دنیای معاصر شاهد آن است که همه پیشرفت ها در عرصه سکتور زراعت، خدمات، بانکداری، معادن و سیستم اداره یک کشور مدیون انرژی برق می باشد، تا فعلاً برقی که در کشور ما از آن استفاده بعمل می آید، برق تضمین نشده و عاریتی از کشورهای همسایه بوده و اختیار آن در دست دیگران می باشد. سکتور های خصوصی و تولید کنندگان داخلی به شدت نیازمند حمایت ساخت زیر بنا ها و رفع مشکل انرژی برق می باشند، برق یکی از پر مصرف ترین و پر طرفدار ترین وسیله برای رفاه زندگی بشریت بشمار می رود، که تولید آن بدون آب امکان پذیر نیست در عدم موجودیت آن در عرصه تکنالوژی، صنعت، خدمات و زراعت هیچگونه کار موثری صورت نمی گیرد، تمامی وسایل تولیدی از قبیل ماشین آلات صنعتی، تجهیزات اداری، امور شفاخانه ها، وسایل منزل و تمامی وسایل زندگی بشر به وسیله انرژی برق عیار میگردد.

بنأ با اعمار بند ها و ساخت زیر بنا های آبی، ازدیاد محصولات زراعتی، مالداری، باغداری، کاهش اثرات بد خشک سالی، کنترل و مهار سیلابهای مدهش، بهبود حفاظت محیط زیست، جلوگیری از مهاجرت های داخلی و خارجی، ایجاد شغل، استخراج معادن، ایجاد فابریکه های ذوب آهن، فعال ساختن کارخانه های سمنت، ایجاد فابریکه های کود کیمیاوی، باز سازی فابریکه های نساجی و بالاخره ترقی در ساحه سکتور خدمات که تمامی پیشرفت های زندگی مردم را در بر میگيرد تحول چشمگیر به میان می آید. معدن آهن حاجیگ که ۱۲۰ سال قبل از امروز توسط

د هېواد په اقتصاد کې د انرژۍ او طبیعي زېرمو ارزښت

له کبله د ډېرو سکاره، ګاز او داسې نور د انرژۍ د لاسته راوړلو لپاره مهم توکي وپېژندل شول.

د انرژۍ تولید هم طبیعي سرچینو، عصري ټکنالوژۍ او بشري ځواک ته اړتیا لري. هغه هېوادونه چې له سیاسي ثبات څخه برخمن وي؛ کولای شي د کانونو د راویستلو لپاره عصري ټکنالوژۍ وکاروي او د ټکنالوژۍ د کارونې له پاره مسلکي خلک وروزي.

باید زیاته کړم چې د انرژۍ سکتور ته ځانګړې پاملرنه پکار ده، ځکه چې هیڅ یو کار نن سبا بې له بریښنا سرته نه رسیږي. افغانستان بهانده سیندونه لري چې نورو ګاونډي هېوادو ته بهیږي که چېرې دغه سیندونه مهار شي، لوی او واړه بندونه پرې جوړ شي، هم به کرڼه پر مخ لاړه شي او هم به یې له بریښنا څخه په صنعت او نورو اقتصادي چارو کې کار واخیستل شي ځکه چې د بریښنا تولید د نننۍ پرمختیا او پراختیا غوره او بنسټیز عامل دی.



نولسمې پېړۍ تر نیمایي پورې د انرژۍ په ډګر کې د ډېرو سکارو ستراتیژیک ارزښت درلود، خو د نولسمې پېړۍ له نیمایي وروسته، د صنعتي پراختیاو سره دغه رول تیلو ترلاسه کړ چې له دغو طبیعي توکو څخه له میلاد څخه ۳۰۰۰ کاله مخکې هم خلکو کار اخیسته. نو له دې څخه څرګندېږي چې د صنعت او د اقتصاد د پرمختیا لپاره انرژۍ او طبیعي توکو ته ډېره اړتیا لیدل کېږي.

انرژي د اقتصادي پرمختګ لپاره مهم او بنسټیز فکتور ګڼل کېږي. د هر پراختیايي فعالیت لپاره انرژي بنسټ دی. د اقتصاد هر سکتور په یوه بڼه نه، یوه بڼه انرژي ته اړتیا لري. د یو هېواد د اقتصادي پرمختګ کچه د هغه هېواد د انرژي له تولید، لګښت او صادراتو څخه اندازه کېږي.

د صنعتي انقلاب څخه مخکې د انرژي اړتیاوې له څارویو، انسانانو او یا هم له هوا څخه پوره کېدلې؛ خو د ساینسي پرمختګ



عین الله عیان د اسنادو او اړیکو د لوی مدیریت غړی

څرنگه چې په نړۍ کې ټول هېوادونه د پرمختګ له پلوه په مختلفو ډولونو وېشل شويدي چې ځینې یې پرمختللي، ځینې پرمختیايي او ځینې یې وروسته پاتې هېوادونه دي او دغه هېوادونه یو له بل سره په سیالي دي. وروسته پاتې هېوادونه غواړي چې د پرمختیايي هېوادونو او پرمختیايي هېوادونه غواړي چې د پرمختللو هېوادونو په قطار کې ودیږي. نو پدې لاره کې هر هېواد کوښښ کوي چې د اقتصادي پرمختګ لپاره د خپلو شته سرچینو څخه اعظمي استفاده وکړي او خپل صنعت ته وده ورکړي. که څه هم تاریخي تجربو په ډاګه کړې، چې بشریت د خپلې ټولنیزې او اقتصادي ودې په ترڅ کې د وخت د تخنیکي شونتیاوو په پام کې نیولو سره له بیلابیلو اومو توکو څخه ګټه ترلاسه کړې او دغو اومه توکو د وخت له شرایطو سره سم ستراتیژیک ارزښت خپل کړی دی. د بیلګې په توګه د صنعتي انقلاب له پیل بیا د



خو نن سبا بشر د یو پرمختللي او په زړه پورې انرژۍ او ځواک لرونکي دی حتی پرمختللي هېوادونه له هستوي او لمريزې انرژۍ څخه گټه اخلي چې دا ځواک يې له شکه کولای شي د بشر ژوندانه ته په بشپړه توگه بدلون ورکړي. دم گړۍ که تاسې وگورۍ تر ټولو زيات توليدات د فابريکو په واسطه د برېښنا د انرژۍ په مرسته ترسره کېږي. د برېښنا له انرژي څخه نه يواځې د يو خوځنده ځواک او د تنوير(روښنایي) لپاره گټه اخستل کېږي، بلکې د ټولنې د ژوندانه په بڼه کولو کې، له صنايعو څخه په کار اخيسته کې، د اقتصادي ودې او ټولنيزې کچې په لوړولو کې ترې په اغېزناکه توگه کار اخيستل کېږي. تجربو ښکاره کړي چې په ښارونو کې برېښنا د لرو پرتو سيمو يعني کلیو او بانډو لورينه دی، په هر ځای يا ولايت کې چې برېښنا کوټ يا برېښنايي اسانتياوې رامنځ ته کېږي، څرگنده ده چې هغه سيمه د تخنيک او اقتصاد له پلوه گړندي گامونه پورته کوي او د توليداتو کچه يې لوړېږي، خلکو ته د کار موندنې زمينې پيدا کېږي او همدا ډول د خلکو طبيعي استعداد او پوهه د هېواد د اقتصادي ودې او پياوړتيا لپاره تخنيک او کار کولو ته پام کېږي. نو ويلاى شو چې برېښنا داسې ځواک دی چې ور څخه د گټې اخيستنې په صورت کې د هېواد ملي عايد په چټکۍ ورځ تر بلې زياتوالي مومي. پټه دې پاتې نه وي چې د برېښنا اهميت او ارزښت نن سبا څه په ملي کچه او څه په نړيواله کچه د بشر په پرمختگ او د يو هېواد د اقتصاد په پياوړتيا کې ډېر خوځنده رول لري. برېښنا د شلمې پېړۍ له لومړۍ نيمې څخه وروسته د ژوندانه او د صنعت په ټولو کړنو او د انرژۍ په توليد کې تر ټولو زيات رول لوبولی دی.

که څه هم ازبکستان د بنسټيزو طرحو لکه: برېښنا، د لارو او ترانسپورتي طرحو بيارغونه او نوې رغونو په جوړونه کې له افغانستان سره د زياتو مرستو ژمنه کړې دی، خو د برېښنا په برخه کې د ازبکستان مرسته د پام وړ ده. په لومړيو کې د هېواد پلازمينې کابل ته له ازبکستان څخه ۲۲۰ ولټه برېښنا ليردول کېده چې د برېښنا دا ظرفيت اوس مهال له ۱۵۰ مگاواټه څخه تر ۳۰۰ مگاواټه پورې زياتوالی موندلی دی. سرچينې زياتوي چې د دغې طرحې ارزښت ۱۲۸ ميليونه او ۴۰۰ زره ډالره ده چې مهمه برخه يې د اسلامي پراختيا بانک لخوا برابرېږي. په پام کې ده د دغې طرحې څخه لاسته راغلې برېښنا به په افغانستان کې د ريل پټلۍ اصلي ليکو جوړولو لپاره وکارول شي، چې دا کار به د

هېواد اقتصاد غښتلی کړي او افغانستان به له گاونډيو هېوادونو لکه هند، چين، ايران او پاکستان سره ونښلوي. له بده مرغه که دولت له ازبکستان څخه د پيسو په بدل کې د هېواد پلازمېنې او ځينو نورو ښارونو ته د برېښنا د راوستلو پر ځای د هېواد يو يا دوه برېښنايي فابريکې رغولې وای. نو هېواد به مو د اقتصاد له پلوه دا ستره ضربه نه ليدله او هغه لگښتونه چې د برېښنا په مزو، پایو او تر دې ځايه په راوستو شوي، کېدای شوای چې د هېواد يوه خپله فابريکه پرې رغول شوې وای، چې د ازبکستان هېواد سره د کومې ستونزې له امله به مو برېښنا هم نه پرې کېده او په ډېر وياړ سره به مو د برېښنا له نعمت څخه خوند اخيسته. که څه هم اوس مهال د تره خيلو په سيمه کې د امريکا د متحده ايالاتو لخوا د ۳۰۰ ميليونو ډالرو په ارزښت د حرارتي برېښنا يو دستگاه جوړه شوې، چې دا حرارتي دستگاه ۱۰۵ ميگاواټه ظرفيت لري، د اوبو او برېښنا وزارت به له دې دستگاه څخه د برېښنا د دستگاه پر مهال د فني ستونزو او يا هم د داسې حالاتو پر مهال چې وړاندوينه يې نه وي شوي گڼه واخلي. سره له دې چې د هېواد پلازمېنې کابل ته له ازبکستان څخه يو څه اندازه برېښنا راورديږي خو بيا هم د اوبو او برېښنا وزارت وايي چې کابل ۴۰۰ ميگا واټه اضافي برېښنا لري چې په راتلونکي کې به د غزني، رابل، ارزگان او کندهار ولايتونو ته وليږدول شي چې دا کار به د زياتو هېوادوالو اقتصادي او اجتماعي ستونزې له منځه يوسي.

افغانستان که څه هم د ډيرو ارزښتونو او بدمرغيو تر څنګ، د طبيعي زېرمو له پلوه يو موږ هېواد دی. طبيعي زېرمې د يو هېواد د جوړېدو بنسټيز رکن گڼل کېږي، طبيعي

زېرمې نه يوازې دولت ته د عادي او پرمختيايي بودجې د برابرولو مهمه سرچينه ده، بلکې يو دولت د نړيوالو د پاملرنې وړ گرځي، پانکه اچونه منځ ته راځي او هم تر ډيره بريده دولت پر خپلو پښو دريږي. افغانستان نه يوازې دا چې څو لسيزو کورنيو جگړو ډير ځپلی، بلکې ټول سيستمونه يې لکه: اقتصادي، اجتماعي، سياسي، فرهنگي او داسې نورو بنسټونو يې ډېر زيان ليدلی دی. له بده مرغه افغانستان د خپلو اقتصادي زېرمو څخه تر اوسه پورې لکه څنګه چې لازمه ده، سالمه گڼه نه ده پورته کړې، له همدې امله اوس مهال افغانستان د نړۍ د وروسته پاتې هېوادونو په قطار کې ځای لري.

لکه څرنګه چې ښکاره ده نن سبا ساينس او تکنالوژۍ ډيره وده کړې، هغه کارونه چې پخوا به په کلونو کلونو سرته رسیده، اوس په ورځو سرته رسېږي د نړۍ اقتصاد په چټګۍ سره پر مخ روان دی، ټول هېوادونه په سيالۍ، يو له بل څخه د پرمختګ گامونه اخلي، د ساينس او تکنالوژۍ په برکت د خپلو اقتصادي سرچينو څخه کار اخلي او د پرمختګ پورۍ شاته پرېږدي. له دې ډلې څخه افغانستان هم يو غړی هېواد دی، ډيرې طبيعي زېرمې او انرژيکي توکي لري چې ځينې يې تر ځمکې لاندې او ځينې نور مواد يې په غرونو کې پيدا کېږي لکه، د ودانيو ډبرې، مالګه د ډبرو سکاره. خو سره له دې افغانستان يو ډول قيمتي کريمه ډبرې چې په ډېرې ستونزې سره پيدا کېږي لکه: لاجورد، زمرد، فيروزه، لال، سره زر او داسې نورو توکو له نعمت څخه يو برخمن هېواد دی. د ډبرو سکاره چې په شمال کې (په آس پشته، دره صوف او کرکر) کې يې کچه ۱۵۴ زرو ټنو ته رسېږي. له ډبرو سکارو

څخه د تسخين(سونګ) موادو په توګه په کارخانو او د کورونو په تودولو کې کار اخيستل کېږي.

د دولت بودجه د دې جوګه نه ده چې پر خپلو بنسټيزو پروژو کار پيل کړي، دا کار د خصوصي پانګونې په مرسته ښه ترسره کېدای شي، چې پانګوال راجلب شي د صنعتي کمپنيو د بيا رغاونې او د ګڼو طبيعي زېرمو پر راويستلو پيل وکړي تر څو ډېرو هېوادوالو ته د کار موندنې زمينې برابرې شي، اقتصاد پياوړی شي او هېواد پر خپلو کورنيو عوايدو بسيا شي. له نيکه مرغه تر يوې اندازې پورې دا کار شوی هم دی، خو که چېرې پدې برخه کې پانګه واچول شي او په سمه توګه راوسپړل شي زمونږ اقتصاد به ډيره وده ومومي. طبيعي زېرمې که څه هم د اقتصادي پرمختګ لپاره اهم توکي گڼل کېږي؛ خو چې ترېنه په اغيزناکه توګه گټه تر لاسه نه شي، يوازی شتون يې څه گټه نه لري. له هغې څخه د گټې اخېستنې لپاره عصري تکنالوژۍ، پانګې او بشري سرچينو ته اړتيا ده. څومره چې طبيعي وسايل و کارول شي؛ هومره ښه پايلې ورکولای شي.

که چېرته په هېواد کې وزگارو خلکو ته د کار زمينه برابره شي، توليدي کمپنۍ جوړې او بيا ورغول شي او د طبيعي زېرمو د راويستلو لپاره زمينې برابرې شي، نو پوره باور دی چې په هېواد کې به روان ټول اقتصادي ناوړين له منځه ولاړ، نا امنی به لرې او هېواد به مو د پرمختګ په لور ګرځېدي گامونه پورته کړي، د بل له سوله به خلاص شي او په پای کې هېواد وال به مو هوسا او ارامه ژوند غوره کړي. ●



جهاني شدن اقتصاد

سرمایه، انتقال تکنولوژی، جابجایی افراد از طریق سفرها و مهاجرت‌های بین‌المللی و حرکت بین‌المللی اطلاعات و اندیشه‌ها رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. یکی از معیارهای سنجش درجه جهانی شدن، حجم معاملات مالی بین‌المللی است که اکنون روزانه در حدود چندین تریلیون دلار در بازارهای مالی مبادله می‌شود. جهانی شدن با آزادسازی بیشتر اقتصاد بین‌المللی، یکپارچگی بازارها در مقیاس جهانی، و حرکت به سوی جهانی بدون مرز همراه بوده است که همه اینها به افزایش مبادلات و مراودات جهانی منجر شده است. در چند دهه اخیر، جهانی شدن از عوامل مختلفی سرچشمه گرفته است:

یکی از این عوامل، پیشرفتهای تکنولوژی یک بوده است که هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات و هزینه‌های پرداخت و دریافت اطلاعات را بشدت کاهش داده است. ◀◀

۱. گسترش تقسیم کار بین‌المللی؛ ۲. افزایش رقابت ۳- به چالش کشاندن دولت‌ها ۴- وابستگی بیش‌تر اقتصاد کشورها به یکدیگر. وجود برخی آثار ناخوشایند در جهانی شدن اقتصاد، سبب جهت‌گیری منفی بعضی کشورها نسبت به آن شده است. برخی بر این باورند که با وجود همه معایب و نواقص، جهانی شدن مزایایی را هم دربرداشته و با سرعت و شدت ادامه خواهد یافت که باید با آن همسوسد و در غیر آن به منزله انزوا و عقب‌ماندگی بیش‌تر خواهد بود.

بنابراین جهانی شدن اقتصاد عبارت از افزایش چشمگیر تجارت و مبادلات جهانی در یک نظام اقتصادی بین‌المللی که دائماً بازتر و یکپارچه‌تر می‌شود می‌باشد. تجارت و مبادلات بین‌المللی نه تنها در شکل سنتی آن در زمینه تجارت کالا و خدمات بلکه در اشکال جدیدی مثل مبادله ارزها، جابجایی

جهانی شدن پدیده‌ای است که بروز آن در عصر حاضر موجب تغییر و تحول زیادی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح بین‌المللی شده و کشورهای جهان را با فرصت‌ها چالش‌های بزرگی رو به رو ساخته است. از آن‌جا که این پدیده هنوز به تکامل نهایی خود نرسیده و همچنان دستخوش تحول است، تعریف روشنی نیز از آن ارائه نشده است. با وجود این، اندیشمندان و پژوهشگران از زوایای مختلف، تعاریف و تفاسیری را برای آن ارائه داده‌اند. در اقتصاد جهانی شده، حاکمیت دولت‌ها کم‌رنگ شده و کشورهای جهان به شدت به یکدیگر وابسته خواهند شد. جهانی شدن اقتصاد را می‌توان به معنای باز شدن مرزها و توسعه تجارت و سرعت بخشیدن به تحولات صنعتی در سطح جهان دانست. تأثیرات عمومی این پدیده عبارت است از:



**احمد جواد سداد کارشناس ارشد سروی پولي،
آمریت سیاست پولي**

نظامهای اقتصادی بازار گرای غرب و نظامهای اقتصادی سوسیالیستی شرق جای خود را به یک گرایش تقریباً جهانی به سوی نظام بازار داد.

پنجمین عامل جهانی شدن، تحولات فرهنگی بوده است که با گرایش و حرکت به سوی شکل جهانی و همگونی از رسانه ها، هنرها و فرهنگ عمومی و با کار برد گسترده زبان انگلیسی در ارتباطات جهانی همراه بوده است. عده ای بخصوص در فرانسه و سایر کشورهای قاره اروپا تا حدودی با توجه به این تحولات فرهنگی معتقدند که جهانی شدن به منزله تلاشی برای تحکیم و سیطره فرهنگی و همچنین اقتصادی و سیاسی آمریکاست. چه جهانی شدن را یک پدیده مثبت بدانیم یا منفی، این نکته را باید بدانیم که به روشنی نظام جهانی را دگرگون ساخته و فرصتها و چالشهایی را در بردارد که اینک به اختصار به ذکر دیدگاه های موافقین و مخالفین این روند اشاره می گردد:

موافقین

هواداران جهانی شدن اقتصاد بر این باورند که ورود اقتصادهای توسعه یافته و اقتصادهای در حال توسعه به درون یک سیستم واحد جهانی تجارت، پول و تولید می تواند باعث

بین المللی فقط در درون این شرکتهای چند ملیتی انجام می گیرد. با ظهور این شرکتهای جهانی، کشمکشهای بین المللی تا حدودی از کشور ها به شرکتهای منتقل شده و دیگر به جای اینکه کشور ها بر سر سرزمین با یکدیگر بجنگند، شرکتهای برای تصاحب سهم بیشتری از بازارهای جهانی به منازعه با یکدیگر می پردازند. عده ای این شرکتهای جهانی را تهدیدی برای استقلال عمل و دامنه فعالیت دولتهای ملی می دانند، اگر چه این شرکتهای نیرومند هستند، دولتهای ملی هنوز نقش سنتی و مسلط خود را در نظام اقتصادی و سیاسی جهان حفظ کرده اند. سازمانهای غیر دولتی هم نگرشی به مراتب وسیعتر یافته و مثل شرکتهای جهانی اغلب خصلتی چند ملیتی یا جهانی دارند. حتی سازمانهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمانهای جدیدی مثل سازمان جهانی تجارت نقشهای جهانی جدیدی بر عهده گرفته اند. به طور کلی، شرکتهای چند ملیتی و سایر سازمانهای مشابه اعم از خصوصی و دولتی به کار گزاران اصلی اقتصاد جهانی جدید تبدیل شده اند.

چهارمین عامل جهانی شدن، ظهور یک توافق ایدئولوژیک جهانی در باره ارزش اقتصاد بازار و نظام تجارت آزاد بوده است. این فرایند با تحولات سیاسی و اقتصادی شروع شد که با اصلاحات چین در سال ۱۹۷۸ آغاز و سپس به زنجیره ای از انقلابها در اروپای شرقی و مرکزی از سال ۱۹۸۹ تا فروپاشی اتحاد شوروی سابق در دسامبر ۱۹۹۱ منجر شد. این فرایند به نوعی همگرایی ایدئولوژیک منجر شد و شکاف قبلی بین

دومین عامل و سرچشمه جهانی شدن، آزاد سازی تجاری و اشکال دیگر آزاد سازی اقتصادی بوده است که باعث کاهش حمایتهای تجاری و باز تر شدن نظام تجاری جهانی شده است. این فرایند در قرن گذشته شروع شد ولی بروز دو جنگ جهانی و رکود بزرگ باعث وقفه در آن شد. این فرایند پس از جنگ جهانی دوم در قالب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در ۱۹۴۷ و سپس سازمان جهانی تجارت دوباره اعاده شد. در اثر این امر، تعرفه ها و سایر موانع تجارت کالا و خدمات بسیار کاهش یافته است. سومین عامل، تحولات نهادی بوده است اکنون تا حدودی به دلیل تحولات تکنولوژیک و توسعه دید مدیران بهره مند از پیشرفتهای ارتباطی، سازمانها عرصه فعالیت وسیعتری دارند. بدین ترتیب، شرکتهایی که عمدتاً روی بازار محلی تکیه می کردند، اکنون دامنه فعالیت خود را از نظر بازار و تسهیلات تولید به سطح ملی، چندملیتی، بین المللی یا حتی جهانی گسترش داده اند. این تحولات ساختار صنعتی باعث افزایش قدرت، عواید و بهره وری شرکتهایی شده است که می توانند مواد، تسهیلات تولیدی و بازارهای مورد نیاز خود را در بیشتر کشورها بدست آورده و سرعت خود را با شرایط متحول بازار سازگار سازند. عملاً هر شرکت ملی یا بین المللی مهمی از چنین ساختاری بر خودار بوده یا برای دستیابی به درجه مطلوبی از نفوذ و انعطاف، روی شرکتهای وابسته یا اتحاد های استراتژیک تکیه می کنند. برای نشان دادن دامنه فعالیت این شرکتهای می توان گفت که اکنون تقریباً یک سوم کل تجارت

تقویت اقتصادهای ضعیف گردد. به اعتقاد آنان، جهانی شدن اقتصاد حداقل چهار مزیت را برای کشورها در پی خواهد داشت که هر کدام می تواند باعث تحول و افزایش روند پیشرفت اقتصادی کشورها گردد:

۱- گشایش بازارهای جهانی:

گشوده شدن مرزها، توسعه تجارت و نقل و انتقالات بین المللی کالا و خدمات، که متأثر از افزایش تقاضای ناشی از گسترش تجارت بین المللی و سرمایه گذاری خارجی بوده، توانسته سهم تجارت در کشورهای در حال توسعه را از تولید ناخالص داخلی به حد اکثر برساند.

۲- افزایش رقابت: از مهمترین دستاوردهای جهانی شدن اقتصاد افزایش رقابت و در نتیجه بهتر شدن تولید، کاهش هزینه ی مبادلات، سرعت جابجایی و تحرک و پویایی سرمایه و افزایش روند نوآوری در طرف عرضه، و افزایش کیفیت کالاها و خدمات که خود رفاه اجتماعی را به وجود خواهد آورد. نظریات علمی حاکی از آن است که تجارت آزاد و در نظر گرفتن شرایط رقابت کامل، سبب می شود که تولید جهانی به حداکثر برسد و در عین حال هر کشوری، با رعایت این سیستم، به تولید و مصرف بیشتر، و در نتیجه به رفاه اقتصادی بالاتری دست یابد.

۳- گسترش دانش و تکنولوژی:

با گشوده شدن مرزهای تجاری و برداشته شدن موانع ورود و خروج سرمایه های خارجی و ایجاد فرصت های مناسب برای سرمایه گذاری مستقیم شرکت های چند ملیتی، زمینه خوبی برای انتقال تکنولوژی و دانش فنی و نیز منبع ارزشمندی برای کشورهای در حال توسعه فراهم می شود.

۴- تقسیم بین المللی کار: جهانی شدن اقتصاد شرایطی را به وجود خواهد آورد که در آن هریک از کشورها بر اساس توانمندی های خود در زمینه های مختلف تولید کالا و خدمات می توانند نهایت بهره برداری از استعدادهای مادی و معنوی خود ببرند، زیرا با برداشته شدن موانع گمرکی و تحرک و جابجایی بی قید و شرط سرمایه و جابجایی نیروی کار، شرایط مناسب برای بهره گیری از سرمایه های انسانی و طبیعی فراهم می گردد، در نتیجه عوامل ناکارآمد اقتصاد از میان برداشته می شود.

خلاصه این که به نظر موافقین، هنگامی که درهای اقتصاد ملی (کشور) به روی اقتصاد جهانی گشوده شود، سطح زندگی میلیون ها تن از مردم جهان، به میزان قابل ملاحظه ای، ارتقا می یابد.

مخالفین

بی تردید گشایش بازارهای جهانی و ایجاد فرصت برای تحرک اقتصادی کشورهای در حال توسعه و ورود آنها به بازارهای جهانی و قدم گذاشتن در میدان رقابت، بستگی زیادی به میزان سطح توسعه ی اقتصادی این کشورها دارد که با بازگشایی مرزهای اقتصادی بتواند در میدان عرضه کالای خود به بازارهای جهانی قدم بردارند، و نیز با ورود سرمایه های خارجی به کشورشان از میدان خارج شوند. در این صورت است که بازگشایی مرزهای اقتصادی نتایج مثبتی را به همراه دارد. اما کشوری که از خود صنعتی ندارد در نتیجه توان رقابت در بازار برای او میسر نیست، تا چه رسد به این که در مقام عمل بتواند به رقابت با قدرت های اقتصادی برتر برخیزد تا از این طریق به تقویت بنیان های

تولیدی خود بپردازد.

از این رو بازگشایی بازارها، حداقل نسبت به این کشورها، باعث کاهش تولیدات داخلی، کاهش اشتغال و وابستگی بیشتر به واردات و نیز کاهش خود اتکایی خواهد بود. به نظر مخالفین، جهانی شدن اقتصاد چیزی فراتر از سلطه ی بلا منازع کمپنی های بزرگ بین المللی بر بازارهای جهانی نخواهد بود. لذا برخی جهانی شدن را این گونه تعریف می کنند:

جهانی شدن در مفهوم عام عبارت است از: در هم ادغام شدن بازارهای جهانی در زمینه های تجارت و سرمایه گذاری مستقیم و جابجایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب سرمایه داری و آزادی بازار و نهایتاً سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت های جهانی بازار که منجر به شکافته شدن مرزهای ملی و کاسته شدن از حاکمیت دولت خواهد شد. عنصر اصلی و اساسی در این پدیده، شرکت های بزرگ چند ملیتی و فرا ملیتی هستند. بنابراین در جهانی شدن که قدرت های اقتصادی منحصر به شرکت های چند ملیتی و کشورهای صنعتی است سخن گفتن از رقابت و حضور در بازارهای جهانی کشورهای در حال توسعه در شرایط جدید بازگشایی مرزها و برداشته شدن موانع گمرکی، به دلیل ضعف بنیه ی اقتصادی، توان رقابت را با قطبهای توانمند اقتصادی ندارند.

البته جای امیدواری است که این کشورها با ترسیم یک خط مشی مشخص و اتخاذ سیاست های مناسب، از جمله اصلاح ساختار اقتصادی خود از پیامدهای منفی آن کاسته و بیشتر از منافع جهانی شدن بهره گیرند. ●



پول الکترونیکی

طور مثال: کالا ها را به اقساط نسبه به فروش می رسانند و مصرف کننده، قیمت کالا را با در آمد های آینده خود می پردازد. یعنی اعتبار حق استفاده و یا مالکیت کالا ها و خدمات است بدون پرداخت فوری قیمت آنها.

اعتبار را هم به سه دسته تقسیم بندی میکند:

۱. اعتباری که طور رسمی یا غیر رسمی از سوی فروشندگان به خریداران اعطا می شود که این نوع اعتبار جهت وسعت بخشیدن به پیشه شان و جذب مشتری است

۲. اعتبار تجاری که از طرف عرضه کنندگان مواد اولیه به تولید کنندگان صنعتی اعطا می گردد

۳. اعتبار بانکی که سکتور بانکداری برای مشتریان خود در نظر گرفته است و شامل انواع قروض و سایر معاملات بانکی، می باشد با توجه به پیشرفت تکنالوژی و ارتباطات پیشرفته در همه عرصه های زندگی بخصوص سکتور

کم کم این نظام تغییر یافت و کالاهایی که مورد قبول همگان بود به عنوان رابطه مبادلات مورد استفاده قرار گرفت و به پول کالایی معروف شد مثلاً: در کنار دریای مدیترانه گاو و گوسفند این نقش را ایفا می نمودند.

باید گفت در رابطه به پول علما نظریات مختلف ارائه نموده اند: پول وسیله داد ستد که مورد قبول عموم افراد جامعه باشد، میباشد و یا پول وسیله یی است که نقش رابط مبادله را بازی می کند.

- پول ارزش ذاتی ندارد و تنها ارزش اعتباری دارد.

- اعتبار قدرت خرید پرداخت در آینده است.

یعنی فروشندگان با اعطای اعتبار به مشتریان باعث افزایش مصرف مالی و استفاده از درآمد آنها شده و فروشات خود را افزایش می دهند.

پول در زندگی اقتصادی بشر از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی، آن را به عنوان یکی از مهم ترین اختراعات بشر یاد کرده اند و دانشمندان اقتصاد تاریخ روند اقتصادی را با توجه به اهمیت نقش پولی به سه دوره تقسیم بندی کرده اند:

۱ اقتصاد پایا پای (بارتر تبادل جنس)

۲ دوره اقتصادی پولی

۳ اقتصاد اعتباری

اگر اندکی در سه بخش متذکره مکث کنیم اقتصاد بارتر آن را میگویند که قبل از پیدایش و دوره پول، مبادله به شکل جنس به جنس انجام می شد.

د ر این نظام کالا ها مستقیماً و بدون واسطه با یکدیگر معاوضه می شدند.

این کار بسیار پر هزینه بود طور مثال: مدت انتظار طولانی می شد تا جنس مورد ضرورت متقابل را در یافت کنند.





اقتصادي استفاده از انواع پول جهت سهولت شان مورد معامله قرار میگیرد از که آنجمله یکی هم پول الکترونیکی است. از اواسط دهه ۱۹۹۰ گسترش کار برد پول الکترونیکی و استفاده از آن پیامدهای تجاری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای به همراه دارد.

پول الکترونیکی مانند: کارت های اعتباری، چک الکترونیکی و موارد مشابه آن، و یا اطلاعات پولی نیست بلکه دارای خاصیت پول حقیقی است. پول نقد الکترونیکی روشی برای پرداخت های کمپیوتری و انترنتی می باشد به این نحو یک فرد میتواند با انتقال پول از یک کمپیوتر به کمپیوتر دیگر کالای مورد نیاز خود را تهیه کند و اعدادی در صفحه کمپیوتر رونما میشود که نشان دهنده جمع پول واقعی فرد است، پول الکترونیکی عبارت است از ارزش پول ذخیره شده که به شکل دیجیتالی نگهداری میشود و برای پرداخت های آنی و فوری در معاملات از آن استفاده میشود. از نظر اقتصاد دانان گسترش کار برد پول الکترونیکی بر سیاست های پولی می تواند موثر باشد که یکی از ابراز های سیاست گذاری کلان اقتصادی دولت برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود بویژه تثبیت سطح عمومی قیمت، بسیار با اهمیت می باشد.

در رابطه به اقتصاد کلان دانشمندان می نویسند: شاخه‌ای از علم اقتصاد است که نظام اقتصادی را از نظر متغیرهای بزرگ و گروهی و رابطه میان آنها بررسی می کند و رفتار متغیرهای کلی اقتصاد، مانند: سطح تولید، سطح قیمت و رشد تولید را مورد

انحصاری بانک مرکزی در زمینه های سیاست پولی، نظارت بانکی، نظارت بر نظام پرداخت، ثبات نظام مالی و بویژه استقلالیت آن با خطر مواجهه شود. بعضاً می گویند پول الکترونیکی مانند دبت کارت، ویزه کارت، کریدت کارت و چک سفری میباشد. همچنان گفته می توانیم که پول الکترونیکی نماینده پول واقعی است و تبدیل آن به بانکnotes و مسکوکات بنا بر درخواست مشتریان امکان پذیر میباشد، با وجود این امکان دارد که ناشران پول الکترونیکی نتوانند به خوبی از عهده تعهد قابلیت تبدیل پذیری آن به بانکnotes ها و مسکوکات بر آیند، در زمینه طرزالعملی از جانب بانک های مرکزی بنا بر ضرورت فوق ترتیب میشود. علماً به این نظر اند که توسعه و پیشرفت پول به میزان رشد تجارت جهانی

مطالعه قرار میدهد. پول الکترونیکی یا پول دیجیتالی، عین ارزش پول طبع و نشر شده از جانب دولت و یا بخش سکتور خصوصی را دارا میباشد که به شکل الکترونیکی بر روی یک وسیله الکترونیکی ذخیره میشود مهم ترین گسترش استفاده از پولی الکترونیکی بر عرضه پول، به سیاست های پولی بانک مرکزی اختصاص دارد و در توسعه و ادامه بازار پولی، سرمایه، کار و مارکیت کالا ایجاد نسل های جدید اقتصادی را هدف گذاری می کنند. همچنان اقتصاد دانان پیشینی می کنند که با توجه به قابلیت پول الکترونیکی برای جایگزینی بانکnotes و مسکوکات، این امکان وجود دارد که پول الکترونیکی به تدریج جایگزین پول بانک مرکزی شود و به این ترتیب موقعیت



ارتباط دارد. با شروع انقلاب صنعتی تجارت داخلی و بین المللی به نحو وسیعی افزایش یافته و مبادله و سیستم پولی همردیف آن توسعه یافته است. آغاز پرداخت الکترونیکی را در سال ۱۹۱۸ با اجراءات معاملات بانک امریکایی به انتقال وجه پولی از طریق تلگراف میدانند و پرداخت های الکترونیکی را هم به دو دسته تقسیم می کنند.

- سیستم پرداخت برای معاملات عمده فروشی.

- سیستم پرداخت برای معاملات خورده فروشی یا پرچون.

ویژه گی های پول الکترونیکی را چنین تعریف می کنند:

- امنیت بهتر و بالاتر از سایر پول ها
- سرعت بیشتر و حتی غیر قابل مقایسه با سایر پول ها

آسان بودن استعمال و استفاده از آن، مصرف به مراتب کمتر از انواع پول، کاهش اشتباهات انسانی، مدیریت درست، معقول و عصری معاملات الکترونیکی پول عبارت از هر نوع انتقال پول به غیر از شیوه های سنتی مانند: چک، وجه نقد و سایر ابراز های کاغذی مشابه، که از طریق یک مجرا الکترونیکی، تیلیفون، کمپیوتر، نوار های مقناطیسی، به منظور مطلع کردن و یا جواز فعالیت به موسسه مالی، برای کریدت یا دبت کردن یک حساب صورت میگیرد و وسیله های تبادله پول الکترونیکی:

کارت های بدهی: مانند کارت های اعتباری می باشد که مشتری را قادر به خرید اجناس از طریق انتقال پول الکترونیکی از حساب بانکی می سازد.

کارت های ذخیره یی ارزش: این کارت

ها مانند: کارت های بدهی و کارت های اعتباری می باشد، ولی فرق آن در این است که کارت ها ذخیره ارزش دارای مقدار ثابت مبالغ است. خریداری مبالغ قبلاً مشخص شده دالر است که مصرف کننده در آینده آنرا خرج می کنند. مجرب ترین کارتهای ذخیره یی ارزش، ویزه کارت ها، دبت کارت ها، کریدت کارت ها و... می باشد.

- پول نقد الکترونیکی: در انترنت بمنظور معاملات خریداری اشیا و خدمات استعمال میشود که مشتری بتواند با باز نمودن حساب در بانک هایی که به انترنت وصل اند دسترسی به پول های انترتی (الکترونیکی) پیدا کند.

- چک های الکترونیکی: این چک ها به استفاده کنندگان انترنت اجازه می دهد که پول خود را مستقیماً بدون ارسال چک های کاغذی پرداخت کنند و استفاده کننده، چک را در کمپیوتر شخصی خود نوشته و انتقال می دهد که به نوبه خود به حساب بانکی ارسال میشود، یعنی یک مبلغ از حساب بانکی ارسال کننده به حساب بانکی دریافت کننده منتقل میشود. باید گفت مهم ترین ویژگی پول های الکترونیکی بدون مرز بودن آن است که نقش مهمی در اثر گذاری بر سایر متغیر های اقتصادی ایفا میکند. همچنان به ارتقای سطح کارایی مبادلات بین المللی نیز تاثیر قابل ملاحظه یی دارد. طبیعتاً با استفاده از پول الکترونیکی هزینه انتقالات بین المللی به طور قابل ملاحظه یی کاهش می یابد. پول الکترونیکی بر خلاف بانکوتها، مسکوکات و دیگر مسایل مبادله امروزی، مستلزم حضور فیزیکی پرداخت کننده و دریافت کننده نیست زیرا

موجودیت پول الکترونیکی می تواند از طریق شبکه های دیجیتلی و کمپیوتری اجراء گردد. باید گفت که نشر پول الکترونیکی با توجه به ویژگی های خاص آن، به طور گسترده سایر بازار ها و متغیر های اقتصادی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. از آن جائیکه هزینه پول الکترونیکی از طریق انترنت نسبت به سیستم های بانکداری سنتی ارزانتر است. پول الکترونیکی مبادلات را ارزان تر می سازد. همچنان طوریکه انترنت هیچ مرزی را نمی شناسد و پول الکترونیکی بطور بالقوه می تواند بوسیله هر شخصی که به انترنت و یا با یک بانک انترتی دسترسی داشته باشد مورد استفاده قرار گیرد. پیدایش پول الکترونیکی نوع انقلاب پولی در نظام اقتصادی امروزی محسوب میشود و با استفاده ازین پول دامنه تحولات آن بیشتر خواهد شد. قابل یاد آوری است که با پیدایش و بکار گیری پول الکترونیکی در جریان کار و عملکرد بانکداری سنتی و منابع نظام مالی تغییری نخواهد آمد. اما ساختار نهادی بازار مالی در جهت بهبود کار کرد ها و ارتقای سطح کاراییی تغییر خواهد نمود. باید یاد آور شد که یگانه ویژگی بانکداری الکترونیکی عدم موجودیت پول فیزیکی میان بانک و مشتری است که این موضوع رقابت بین المللی را تغییر داده و نقش فاصله مکانی و هزینه خدمات بانکی را با مشتری از بین میبرد. دو ویژگی عمده دارد یکی محلات مبادله خدمات مالی در بازار های کوچک را فراهم می سازد و دیگر اینکه این بانکهای مجازی می توانند موقعیت فیزیکی خود را بدون آوردن تغییر در رابطه بین خود و مشتری تعیین نمایند. ●

عبداللطیف بایانی

سیاست های پولی طبع ۱۳۸۷ و انترنت



تحولات مثبت اقتصادی
بویژه گسترش سکتور
بانکی در کشور باعث
ایجاد تسهیلات قرضه
دهی و همچنان منجر
به زرق نقدینگی در
اقتصاد می گردد

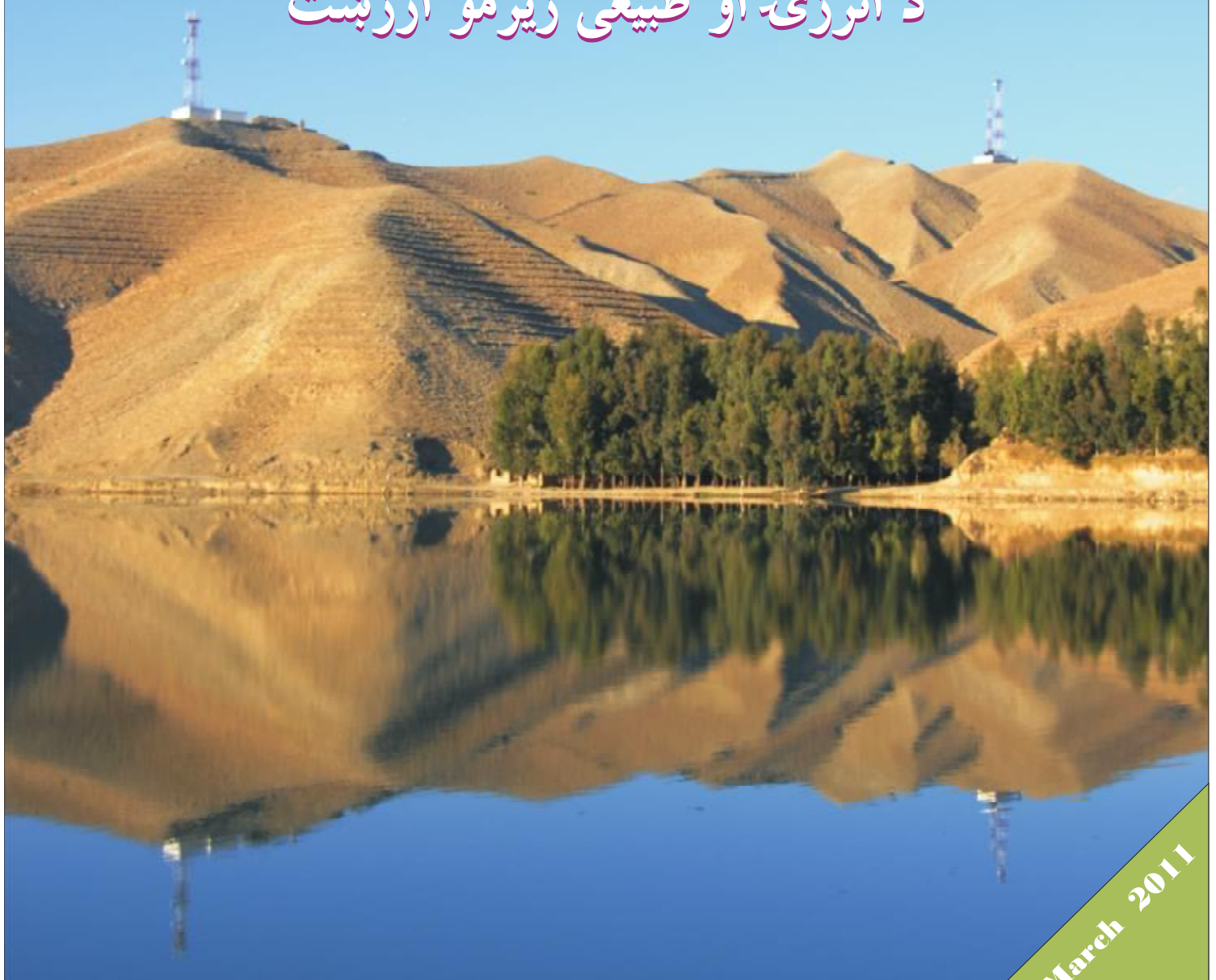
Bank

Da Afghanistan Bank
Central Bank of Afghanistan



Fouty Five Issue Fourth Year

د هیواد په اقتصاد کې د انرژۍ او طبیعي زیرمو ارزښت



March 2011

www.centralbank.gov.af